

در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۹ صفحه بزرگداشت رفیق شهید کاک فواد، مبنای وفاداری به زحمتکشان
- ۱۶ صفحه در مورد شعار نویسی - قابل توجه رفقای هوادار سازمان
- ۵ صفحه خطرات یک سرباز (۳)
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون
- ۹ صفحه تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۳)
- ۴ صفحه کارگران مبارز هائیل قاطعانه خواست ۴ ساعت کار در هفته را به اجرا در آورند

<< دولت و مسئله مسکن >>

در طول چند سالی که از آغاز انقلابی در تابستان ۵۶ میگذرد مسئله مسکن بمشاور یکی از دردهای بیشمار زحمتکشان همچنان همراه موش شده است. خوش ها و ننگ جوشهای توده های متحمله برای حل انقلابی مسئله مسکن اینجا و آنجا همواره بروز میگردد است.

پس از قیام بهمن نیز این حرکت ادامه یافت. توده های نسبت به هیئت حاکمه پس از قیام مهاکت گردید که در طول چند ماهی از عمل مستقیم و مستقل توده ها بر سر

بفیه در صفحه ۱۴

آیا فعالیت ما تا کنون آزاد بوده است؟

کارگران مبارز "ایرفو" عوامل کارفرما را اخراج و نماینده اخراجی خود را بسر کار بازگردانند

۳ صفحه

روزهای خونی در کردستان انقلابی

۵ صفحه



در هفته های اخیر در شهرهای مختلف کشور، از جمله آبادان، خرمشهر، بابل، آمل، قاشم شهر و... یکی پس از دیگری احکامی از طرف "دادسرای انقلاب" صادر شده که طی آن فعالیت عینی سازمان ما به همراه چند گروه و سازمان دیگر با صلاح نامعین تکلیف آنها توسط مجلس، منع "قانونی" میشود. وقتی "دادسرای انقلاب" آبادان و خرمشهر برای اولین بار چنین حکمی را صادر نمود، هاشمی رفسنجانی در مقابل خبرنگاری که پرسیده بود آیا "دادسرای انقلاب" صلاحیت دارد چنین قانونی را علیرغم قانون اساسی وضع نماید؟ گفت که

بفیه در صفحه ۲

"انتقاد از خود" رهبری فداییان (اکثریت) آنها را بیشتر افشا میکند

۱۲ صفحه

تفتیش عقاید در استخدام معلم: نشانه وحشت از آگاهی توده ها

۲۴ صفحه

کودنای امپریالیستی در ترکیه

۱۸ صفحه



اعتصاب ماهیگیران در فرانسه

خلق قهرمان شیلی پیامی خیزد

اعتصاب ۱۶۰۰۰ کارگر معادن پرو

مبارزه انقلابی ۷۰۰۰ کارگر معادن قلع در بولیوی

۱۸ صفحه

گرامی باد یاد شهدای بخون خفته خلق فلسطین در "سپتامبر سیاه"

۲۴ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آیا...

بسیار از آنجا که خوزستان شرایط ویژه‌ای دارد این امر انکالی ندارد! لکن صدور احکام مشابهی در مورد منع فعالیت سازمانهای سیاسی در دیگر شهرها نشان داد که از برای معلوم همه شهرهای ایران از همان "شرایط ویژه" برخوردار نبوده اند! البته این امر برای ما کاملاً قابل پیش بینی بود، چرا که وقتی ما بیکرانیه وسیع و فقه بسیار و عملکردهای مدمردمی رژیم جمهوری اسلامی را افتنا میکنیم، وقتی ما معامله ایچده رژیم را با دولت غاصب اسرائیل بر ملا میکنیم، وقتی ما حقایق مربوط به کردستان را بگوش خلق میرسانیم وقتی ما غافلین پشت پرده جنايت سينما ركن را به مردم معرفی میکنیم، وقتی ما با اشتباه مدارك غير قابل تردیدی، همكاری با اصطلاح نمابندگانی حیون معین فرها، عسکرا ولادی ها و جازای ها را با ساواک ساد افتنا میکنیم، در یک کلام وقتی ما ما هیت رژیم را آنطور که هست به توده های می نمایانیم، بسیار بسیار طبیعی است که رژیم به تنهایی از فعالیت علنی ما جلوگیری کند بلکه همانطور که تا کنون کرده است، رفقای ما را به زندانها بیا نندازد، و به جوخه عدا میسرا رود بیا به یک فاشیستی آنها را سرور نماید.

واقعیت آن است که فاشگرایی نیروهای انقلابی و از جمله سازمان نقش عظیمی در شان دادن ما هیت رژیم به توده ها داشته است و هیت ها که به تیر خویی این را درک نموده است، آنها بخوبی دریافته اند که تنها حیات و حشیا نه جاداران و اراذل و اوباش به تنهایی قادر نیست جلوی فعالیت انقلابیون را که از حمایت به دریغ مردم آگاه میرجوردارد، بدست یار ایندواست که بموا زات بکا رگیری همان سوده های تده فاشیستی خود، به جفا ق "قانون" تر منسل نده اند. آنها اگر تا قبل از این با جوب و دما قی و ژ- ۳ سعی میکردند مانع از فعالیت آزاد اند انقلابیون شوند، اکنون به تنهایی حیات و حشیا نه جاد، جاس معافا نوسی هم نبوده اند. اینکه آنها در کنار کمونیست ها و فاشیست ها حزب سیاسی ضد انقلابی چون حزب توده را هم هدف حمله خود قرار داده اند، بسیار نگران واقعیت است که ارتجاع حاکم، در راه استقرار حاکمیت خویش حتی به کاسه لیسان و آستان یوان درگاهش نیز "رحم نمیکند!" ولی مگر پیش از این فعالیت ما آزاد بوده است؟ همین دو هفته پیش بود که دوشن از هواداران سازمان را در تیربزه جرم پیش اعلامیه دزدیدند و با دیلم منجر آنها را متلاشی ساختند، و احداث را در سربا بنهای اطراف شهر انداختند، روزی نیست که در سراسر کشور چندین تن از هواداران ما را، همچون دیگر نیروهای انقلابی، به جرم پیش اعلامیه و فروش نشریه دستگیر و به زندانها تیاندازند، و این روال از همان فردای قیام شروع شد. بورژوازی و خرده بورژوازی بقدرت رسیده که در پی میا زدن به خروش خلق و انقلاب بود از همان فردای قیام متصفیه حساب با نیروهای انقلابی و سبزه کمونیست ها را در دستور کار داشت. سران رژیم جمهوری اسلامی با رها بر سر نیروهای انقلابی منت میگذارند که ما به شما آزادی "عطا کردیم" اما واقعیت جرایب بود، اما مکانات محدودی که برای فعالیت علنی بوجود آمده بود چیزی نبود جز دستاوردهای خلقهای ایران در مبارزه علیه رژیم شاه و امیربا لیم جنانیکار. اما

نیروهای انقلابی ساختار حفظ این دستاورد و استفاده از شرایط علنی مبارزه علیه رژیم خون شهدای خلق بود دهها و صدها کشته و زخمی داده اند. آری صدها تن از جوانان پیشرو و انقلابی در حین نظرات و راهپیمایی و فروش نشریات و... دست قداره میدان و جفا داران حرب جمهوری اسلامی و... با ساداران و کشته ها

داد. زیرا که این شماره خون شهدای خلق و کلیه انقلابیون است که می محابا علیه ستم ملی و طبقاتی و کسب آزادی - های دمکراتیک مبارزه کرده و جان باخته اند. ما همچنان که همه همراه کارگران از اجلال شورا - های واقعی توسط ارتجاع جلوگیری و در مقابل دسیسه های ضدکارگری مقاومت میکنیم، ما همچنان که در

● هاشمی رفسنجانی در مقابل خبرنگاری که پرسیده بود آیا "داد سزای انقلاب" صلاحیت دارد چنین قانونی را مطرح نمائید؟ گفت که از آنجا که خوزستان شرایط ویژه‌ای دارد، این امر انکالی ندارد! لکن صد ورا حکام مشابهی در مورد منع فعالیت سازمانهای سیاسی در دیگر شهرها نشان داد که از برای معلوم همه شهرهای ایران از همان "شرایط ویژه" برخوردار نبوده اند!

مقابل هجوم و سرکوب به دستاوردهای خلق کرد مقاومت میکنیم همچنان که در مقابل هجوم به دستاورد و دستاورد - های دانشجویان انقلابی "خط مقاومت" را در دنبال کرده ایم در مقابل هجوم به مکانات هر چند محدود فعالیت علنی نیز مقاومت و خواهم کرد. رفقای ما هواداران پیشرو ما و کلیه نیروهای انقلابی به قیمت کتک و شکنجه حتی جان خود را از این دستاورد با داری خواهند کرد، و صدای حق طلبانه و سراسی خود را در میان حقایق به گوش خلق خواهند رساند. ■

رجمی و دهها تن سوسله ایدای رژیم بشهادت در بر - و می آید آزادی "عطا شد" این آنا با این بود - اما ما سراسر طاری جرایب از رژیم جمهوری اسلامی پیدا شده و سوراخها هم داشت، چرا که رژیم که از مانع سرما ساداران و زمینداران در مقابل رنجشکان دفاع میکند میسرا سادجاریب رفقاری در مقابل نیروهای انقلابی داشته اند. ولی از طرف دیگر ما همین امکانات محدود فعالیت علنی را نیز مفت و مجاني بدست نیاورده - ایم و همین اندک را نیز مفت و مجاني از دست خواهیم

دادگاه ویژه "مسئله سینما رگس" هدف دادگاه: رها کردن گریبان رژیم، نه روشن کردن واقعیت

جمعه جمعی، حجت الاسلامها شی، کریمی، ها شمسایان، زرگری... به دادگاه حاضر شدند تا نقش آنها در جرایم اخیر پرونده برای "مردم روشن شود؟" - جرایم که در جلسات دادگاه از شیکه سراسری رادیو - تلویزیون مستقیماً پخش شد؟ آیا این مسئله بی اهمیت تر از جلسات دادگاه و اعتراضات بکنواخت کودتا چنان بود؟ آیا اینکه رژیم از پخش مذاکرات این دادگاه نه تنها نمیتوانست بهره برداری کند بلکه حتی از آن دچار بیم و ترس بود؟ - چرا دادگاه تمام تلاش خود را بکار برد تا صرفاً مسائل مربوط به بعد از اجتماعات پخش مغشوش مطرح شوند؟ چرا دادگاه تمام تلاش خود را بکار برد تا روابط تکبیلی - زاده و ستم دیگر با سیرافاد (ویخصوص "لرقبا") در قبل از اجتماعات پخش کشیده نشود؟ الف: مگر به اعتراضات صریح "حسین تکبیلی زاده" و اعتراضات ضمنی خود "لرقبا" این شخص با تکبیلی - زاده و ستم دیگر در برابر ما های دیگر همکاری نداشته است؟

ب: اگر "لرقبا" دور و زبده از اجتماعات و طریق تکبیلی - زاده از حقیقت ما جرا خبردار شده بود چرا از افشای چنین جنایت هولناکی نزد مردم و باحیثی نزد مقامات مربوطه خودداری کرد؟ ج: اگر لرقبا دور و زبده از اجتماعات و طریق تکبیلی - زاده از حقیقت ما جرا خبردار شده بود و مسئله دیگری در میان نبود چرا دادگاه در برابر این سؤال دادرستانی بقیه در صفحه ۲۱

هنست حاکم حدود ۱۸ ماه در برابر تشکیل دادگاه رسیدگی صفا جسد سینما رگس مقاومت کرد. هنست حاکم با زمانه دکان متخلف را مورد پورش و حشیا به درازا دوسه کمک اوباشان و پاداران خود شخص آنها را براسار ۱۵۷ روز سیر هرد، سرانجام در آستانه رسوایی در برابر توده ها و در اثر پیگیری، فشار و مبارزه با زمانه دکان با سردرگمی و شتاب به تشکیل یک دادگاه وظاهرا علنی تن داد. در شرایطی که چشم انداز روشن شدن پا رهای حقایق پدیدار زگریده بود، در شرایطی که در این دادگاه نه تنها - بسته و مغشوش، نکات تازه تری مطرح شده بود، در شرایطی که امکان تحقیق و بررسی بیشتر فراهم شده بود، به سرعت و عجلانه به کار دادگاه و پاداران داده شد، متهم ردیف اول و بیعت تن دیگر اعدا شدند (طبق اظهار خود رژیم) و به این ترتیب همه تلاشها بکار برده شد تا مسئله سینما رگس بعنوان یک مسئله غامض فته شده به توده ها تحمیل شود.

اگر با این دادگاه "ویژه" و این اعداها اکنون مسئله سینما رگس از نظر رژیم جمهوری اسلامی خاتمه با فته تلقی میشود، در عرض برای بازماندگان شهید و توده های مردم مسئولات متعدد و تازه تری مطرح شده است که لازم است به آنها پاسخ داده شود. مسئولانی که اگر از وارد شدن در حشیا آن فعلا صرف نظر کنیم، تنها به شکل کلی عبارتند از:

۱- جراساری ارکائی که ما نشان در جرایم این پرونده مطرح شده است مثل: کباوش، رشیدیان، امام

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

خبرهای کوتاه کارگری

بو شهر- تحسن کارگران صنایع دریایی
بایپروزی به پایان رسید

کارگران مبارزان صنایع دریایی که از مدت‌ها پیش خواستار ردولتی شدن شرکت خود بودند و از مراجع به مقامات مسئول نتیجه‌ای نگرفته بودند در تاریخ ۵۹/۶/۴ دست‌ازکار کشیده و در محیط کارگاه به تحصن می‌نشینند. تلاش‌های فربیکا را نه‌معاونان استانداری برای به شکست کشاندن تحصن کارگران با هو کردن او با سخ داده می‌شود. در روزهای تحصن قدوسی طی نامه‌ای از استانداری می‌خواهد که سرپرست شورا را دستگیر و به تهران اعزام دارد. اما استانداری که می‌داند است انجام چنین کاری اعتراض شدید کارگران را به همراه خواهد آورد و آن مخالفت کرده و طی نامه‌ای به خواهش‌های کارگران تن در می‌دهد. وی در این نامه اعلام می‌دارد که فعلاً شرکت زیر نظر اداره رهنبرد است و انداره‌خواه شد و بعداً تحت نظر مستقیم دولت قرار می‌گیرد. بدین‌حال دریافت نامه مذکور کارگران در تاریخ ۵۹/۶/۹ به تحصن خود پایان می‌دهند. در خلال تحصن کارگران مبارز شرکت صنایع دریایی، کارگران و کارکنان چندین کارخانه و شرکت مانند کارخانه رستدگی و بافندگی اعتمادیه، شرکت ساختمانی هدیش، شرکت نفت و... از آنها حمایت کردند. همچنین هواداران گروه‌های سیاسی از جمله هواداران سازمان درویش‌ها انتشار اعلامیه و نصب پلاکار در د نزدیکی محل تحصن پشتیبانی خود را اعلام کردند.

شرکت دارویی بایر

کارگران بخش بینوتال شرکت بایر اتحاد ویکارچگی توطئه مدبر دولتی را خنثی کردند. کارگران این بخش بدلیل سروکارشان با مواد سمی محبوسند پس از کار کردن بگیریند. به همین دلیل همیشه یک ربع زودتر از کارگران دیگر دست‌ازکار می‌کشیدند. مدبر دولتی که به نازکی به کارخانه آمده برای تولید و استمنا بیشتر کارگران روز چهارشنبه ۵۹/۶/۵ به کارگران بخش مذکور اعلام می‌کند که: " شما احتیاج به دوش گرفتن ندارید و با بدما سند بقیه کارگران سر ساعت کار را تعطیل کنید. " کارگران بخش بینوتال ابتدا بطور پراکنده دست‌به‌اعتراض می‌زنند و مانند همیشه به جانی نمی‌رسند. از اینرو تصمیم می‌گیرند روز چهارشنبه ۵۹/۶/۸ همگی از روشن کردن ماشین‌ها خود - داری کنند. بدین‌حال این عمل سرپرست قسمت میکشود که با تفرقه انداختن بین کارگران آنها را وادار به روشن کردن دستگاه‌ها به نیت مدعی می‌شود. ۱/۵ ساعت بعد مسئولین کارخانه در مقابل عمل یکبارچه کارگران عقب‌نشینی کرده و کارگران این بخش بار دیگر مکان می‌یابند که برای دوش گرفتن زودتر از ساعت مقرر (البته ۵ دقیقه کمتر از گذشته) دست‌ازکار بکشند.



جنبش کارگری

کارگران مبارز "ایرفو" عوامل کارفرما را اخراج و نماینده اخراجی خود را به سرکار بازگردانند

۱- سه نفر از سرپرستان و کارگرانی را که در زمان شاه مزدور هوا و در برابر درخواست‌های بحق کارگران توطئه می‌کردند و به جاسوسی در میان آنها پرداخته و عناصر صریحاً به او واک معرفی می‌نمودند (وین) از قیام نیز به نوعی دیگر به همان شیوه سابق ادامه می‌دادند) از کارخانه اخراج کنند.

۲- شورای سازگاری را دوست نداشته کارفرما را منحل و شورای جدیدی انتخاب کنند.

۳- مدیرعامل سابق را اخراج نمایند.

با دولتی شدن کارخانه مدیرعامل جدیداً ظرف چهار ساعت از زندگی منسوب می‌گردد. اما مدیرعامل جدید نیز مانند مدیرعامل سابق با رها رها مخالفت و وضعیت خود را با کارگران مبارز و شورای منتخبان نشان می‌دهد.

بدین‌حال شکایت به تن اعزام مدیرعامل سابق که وسیله شورا اخراج شده بودند، وزارت کار خواستار بازگشت آنها به کارخانه و با خرید کارکنان از جانب بقیه در صفحه ۲۲

کارخانه "ایرفو" در سه کیلومتری جاده و هزار گرفته و لوله چدنی، انما لات و... تولید می‌کند. این کارخانه که حدود ۳۰۰ نفر کارگر دارد در سه شیفت کار می‌کنند. در گذشته متعلق به قلی زاده، غیاثی و مهندس یازرگان بوده و اینک دولتی شده است. معاین قبلی آن توانسته بودند با زهد فروشی و فربیکاری و توسل به خدا و قرآن به استمنا روحشانه کارگران سیردازند بطوریکه در ماه‌های قبل از قیام به کمپساری از کارخانه به ها تعطیل شده بود. کارخانه ایرفو در سایه فربیس - کاریهای سپاهمداران اسلامی و با مصالح ملی آن در برابر مبارزات کارگران سدا پیدا کرده و به تولید ادامه می‌دهد.

بعد از قیام کارگران مبارزان کارخانه بزودی به ما هیت کشف و ربا کارانه آنها بی برده و خواستار دولتی شدن کارخانه می‌شوند و کارگران با اعتصاب دو ماه خود موفق می‌شوند:

پاسخ انقلابی کارکنان صنعت نفت به تصمیم ضد انقلابی هیئت حاکمه:

بدین‌حال انتشار بخشنامه مورخه ۵۹/۶/۱ در مناطق منتخب (بر اساس موصیه شورای انقلاب) مبنی بر لغو تعطیل پنجشنبه، صنعت نفت در جنوب را از جمله در آبادان در شب و تاب تازه‌ای فرا گرفته و به استکار شورا‌های کارکنان مجمع عمومی تشکیل شده و طی آن هر نوع بخشنامه‌ای مبنی بر آمدن به سرکار در روز پنجشنبه - شنبه قاطعانه رد شده است.

در تاریخ ۵۹/۶/۷ نخستین پنجشنبه پس از صدور اطلاعیه دولت جمهوری اسلامی در مورد لزوم کار مجدد در روزهای پنجشنبه، پاسخ کارکنان و کارگران صنعت نفت جنوب چنین بود:

- ۱- اکثر کارکنان صنعت نفت آگاه‌آری به سرکار می‌رسند.
- ۲- کارکنان اسکا هم‌آری ۴ و اسکا هم‌آری ۵ شرکت ملی کار به سرکار می‌رسند.
- ۳- کارکنان تعمیرات کلی شرکت ملی گاز از ریس به سرکار خودداری کردند.
- ۴- کارکنان تعمیرات مارون شرکت ملی نفت به سرکار می‌رسند.
- ۵- کارکنان ان.جی. ال. ۴۰۰ و ان.جی. ال. ۵۰۰ از ریس به سرکار خودداری کردند.

ما حق ۴۰ ساعت کار در هفته را با خون خود بدست آورده ایم و بدست آوردن آنرا حفظ خواهیم کرد!

روز پنجشنبه ۵۹/۶/۸ پس از انتشار بخشنامه کفیل با استکار به آبادان و خدمات مبنی بر تغییر ساعت کار و آمدن به سرکار در روز پنجشنبه اکثریت قاطع کارگران و کارمندان ساعت کار را اعلام شده جدید (تا ۴/۳۰ بعد از ظهر) را به رسمیت نشناخته و مانند گذشته ساعت چهارم - از ظهر به کار خود ادامه دادند. ان.توبوها ش که به وقت جدید برای برون کارکنان آمده بودند همگی ناگزیر خالی برگشته و مجدداً ساعت ۳ برای برون کارکنان به جایگاه‌های خود رفتند.

بدین ترتیب اکثریت کارکنان صنعت نفت در جنوب یکبار دیگر متحد و یکبارچه! ز دستا ورده‌های مبارزان نشان در سال‌های سیاه دیکتاتوری قاطعانه با ساری کرده و نشان دادند که اجازه نخواهند داد مسوئینان انقلاب تحت هربوشی دستا ورده‌های مبارزانی آنها را مورد شتم و توهین قرار دهند.

کارکنان و بخصوص کارگران صنعت نفت در برابر اقدام رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر کار در روزهای پنجشنبه ۴۴ ساعت کار در هفته، آگاهانه و متحدانه پاسخ دادند که:

ما حق ۴۰ ساعت کار در هفته را با خون بدست آورده ایم و با خون نیز آن را حفظ خواهیم کرد.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

مبارزه کارگران تراکتورسازی تبریز و شاخه پراکنی رویونیستها

عمدتاً از جانب هواداران فدائیان (اکثریت) صورت میگیرد. برخی از این شایعات بصورت زیر بود:

- - اگر امروز (۱) اعتصاب کنیم، ضربه خواهد خورد، کارخانه خواهد بست.
- - امروز با داران اعتصاب کنندگان را به رگبار خواهد بست.
- - اعتصاب هنگامی با آمریکا ست، عوامل بختیار میخوابد کارخانه را آتش بزنند.
- -

بدین ترتیب با آمدن پاداران به کارخانه، ایجاد تفرقه بین کارگران توسط کانون فرهنگ اسلامی و هیات پاکسازی شاخه پراکنی های رویونیستها، اعتصاب کارگران تراکتورسازی تنها با سه دست آوردن یک وعده غذای گرم (که آنهم قبلاً بود) در این زمان به پایان میرسد.

شنبه ۵۹/۶/۱ - در این روز با می ۴۱ نفر از طرف هیات پاکسازی اعلام میشود که مجوز ۵ نفره بقیه اعتصاب را انقلابی و زمینکنش بودند.

(۱) - در این روز کارگران مبارز در نظر داشتند به عنوان اعتراض به دستگیری دوستان نشان دستبسته اعتصاب بزنند.

در پیکار ۲۲ گفتیم که کارگران مبارز تراکتور سازی پس از خواندن قطعنامه شان و بیرون انداختن میرزایی سرپرست هیئت به اصطلاح پاکسازی بسیار همتاها را با تصمیم دادا ممبر رزه و تشکیل شورا های قسمتی به سرکار خود را رگشتند.

در این شماره گزارش دادا ممبر رزات این کار -

کران را ملاحظه میکنید.

به شنبه ۵۹/۵/۲۸ - در این روز هیئت پاکسازی همراه عده ای پادار به کارخانه میگرد و سواکم کانون فرهنگی و اسلامی تراکتورسازی و نیز به تهدید و ارباب و استفاده از احساسات مذهبی کارگران بین آنها دودستگی ایجاد میکنند. اکثریت کارگران خواستار بازگشت کارگران انقلابی به کارخانه و حقوق صنفی خود بودند و عده ای در حدود ۳۰ نفر هیئت پاکسازی را تاسید میکردند.

در این روز شب هنگام ما مورین کمیت، صلحانه به خانه های کارگران مباحثه و هجوم برده و تن آزارها را دستگیر میکنند.

چهارشنبه ۵۹/۵/۲۹ - از صبح شایعاتی بین کارگران پخش میشود که در روحیه آنها تا شنبه میگذارد و آنان را متزلزل مینماید. انتشار این شایعات

نمایندگان شوراهای کارگری شرق تهران، شرکت نمایندگان تشکیلات زرد کارگری را در تدوین قانون کار محکوم کردند

روز دوشنبه ۵۹/۵/۲۰ بدعت شورا های کارگری شرق تهران، نمایندگان شورا های حدود ۵۰ کارخانه در مقابل وزارت کار اجتماع کرده و خواستار آمدن وزیر و پاکوئی به شورا لات و خواستهای خود را بطه با سود و یزد و تدوین قانون کار میشوند. تجمع این نمایندگان در مقابل وزارت کار در دنبال سمیناری بود که روز شنبه ۵۹/۵/۱۸ در محل کانون تشکیل و طی



تسلیت به ذرة تکشان



دردم شهرپور
ما ۵۹۰ هکما
رفیق علی حیدر -
ان با مونسر
کا میرفت با
اتومبیلی عادی

کرد و به علت ضربه مغزی پس از مدتی جان سپرد.
رفیق علی حیدر با در خانه ای زمینکنش به دنیا آمد و در دوران کودکی به زندگیش با درد و رنج ناشی از استقامت و بهادری آشنا شد. پیش از قیام مذهبی بود اما در جریان قیام و پس از آن بدرج با مارکسیسم - لنینیسم یعنی ایدئولوژی طبقه اش آشنا شد و آنرا پذیرفت.

در ابتدا نسبت به (سازمان جریکهای فدایی خلق) سمپاتی نشان میداد اما به مرور که مواضع روز - یونیستی آنها برایش روشنتر میشد، رایش سازمان فاصله گرفت و بدینال انشباع در آن با بخش اکثریت مرزبندی نمود.

علی در این اواخر سعی داشت با مطالعه جدی تر با یکی از سازمانهای (مل) رابطه تشکیلاتی برقرار کند و در این زمینه ولین کامها را برای ارتباط گیری با سازمان برقرار نشد.

رفیق علی به کوهنوردی علاقه زیادی داشت و دوستان وی در این باره خاطره های زیادی از مصاحبه و با همی اوسا دادا رند.

پس از مرگ دوستان کوهنورد علی آهکی تسلیتی را با مضمون "مرگ علی را بدرجمنکنان... تسلیت میگوئیم" به روزنامه که بیان میسرند اما مسئول مربوطه تنها پس از حذف کلمه زمینکنان جا تریه چاپ آن میشود. آری رژیم جمهوری اسلامی ما سندهر رژیم سرما به - داری دیگر زمینکنان و حجت دار و آتان را دشمن سرخ خود می شناسد.

ما پس از بهار به زمینکنان و به خانه ای پس رفیق که دوست و فرزند مبارز را از دست دادند تسلیت میگوئد

یادتی کرامی باد.

صفحه ۲۲ کارگران...

اما کارگران ذره ای از خواست خود عقب نشینی نکردند و خود اندامه اجرای ۴۰ ساعت کار می نمایند آنها با شعار "بجشنه ها تعطیل!"، "ساعت کار ۲" مبارزه خود را دنبال میکنند.

کارگران که قبلاً روزانه ۷/۵ ساعت کار میکردند و به جشنه ها ۷ ساعت بکار مشغول بودند (طبق قرار فملی آنها می بایست تا ساعت ۱/۵ کار کنند و پنج - شنبه ها نیز سرکار باشند) آروز علیرغم مخالفت های کارفرما و سرپرست تا ساعت ۲ کار کردند و تصمیم گرفتند که به جشنه سرکار را فرزنند.

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل



خلق ها و مسئله ملی

روزهای خونین در کردستان انقلابی

«سفر»

۵۹/۵/۲۴

عملیات دلاورانه پیشمرکه هادر سفر

ساعت ۱۲/۵ شب یک دسته از پیشمرکه ها در شهر ان قهرمان پیکار، وارد شهر شدند و در ساعت ۳/۱۰ به مقر سپاه پاسداران حمله بردند و ضربات سختی به آنها وارد کردند. پیشمرکه ها بعد از عملیات به آرامی عقب نشینی کرده و سالم به پایگاه های خود بازگشتند.

این عملیات عا نه پیشمرکه ها در شهر، در شرایطی که تحت اشغال دشمن بوده و حکومت نظامی در آن برقرار است تا شیر عظیمی در روحیه مردم شهر گذاشت بدنبال این حمله، ارتش و پاسداران از خشم، تا صبح به تیراندازی های بی هدفی برای ایجاد رعب و وحشت در شهر پرداخته و شروع به بازرسی و اذیت و آزار مردم کردند.

۵۹/۶/۷ موج دستگیری ها

در این روز حدود بیست تن از زندان - بان سیاسی کرد، ظاهرا برای محاکمه به شهر سنجند منتقل شدند. طی روزهای اخیر موج دستگیری ها افزایش یافته و اکنون سپاه پاسداران سقز برای نگه داری زندانیان با کمبود مواجه است.

۵۹/۶/۸ اعدام دو پسر انقلابی زن

دو تن از پسران انقلابی سقز به اسمی نسرین و شهلا کمی توسط پیکار - گاهای شرع به جوخه اعدام سپرده شدند. جرم این دو شهید کرد، انجام وظیفه انقلابی و انسانی خود در مدای مجروحین درگیر بوده است!

گرمای بادبانین نهاد و تما مسی شهیدی خلق کرد!

۵۹/۶/۹ حمله پیشمرکه ها به سنجند

شب هنگام پیشمرکه ها در قهرمان جنین مقاومت، با خمپاره ها به پایگاه سنجند حمله بردند و در حدود ده گلوله خمپاره به

با چشم باز در افق خونین کردستان خطرات يك سرباز (۳)



سربازان نمیخواهند بجنگند

پنجشنبه ۲۸ فروردین:

از خواب کعبیدا رنم، سکوت سنگینی بر فردوگا مستولی بود. همه در یکسوی ساعت ۱۱/۵ صبح معاونت نیرو و امنیه سرباز ها را جمع کرد و دوباره به تکرار حرفهای ملال آورد و برادران را به خدمت، هلیکوپتر ها در رفت و آمد بودند. فردوگا ه تلوغ بود. سربازان مضطرب بودند و از روز پیش تا رات ترسیده می رسیدند. بنا بر این شده بود که معاونت نیرو و امنیه از شاد مهر کسب تکلیف کند. ساعت ۲/۵ بعد از ظهر، یک هواپیما ۳۳۰ ارتشی بر زمین نشست. سربازها بدور آن حلقه زدند. گمان می کردند که از طریق هوا به با نه خوا هم رفت. اما متوجه شدند که هواپیما حامل دو جیب با اسلحه (توپ ۶۰) است و نه چیز دیگر!

مردم شهر در کنار فردوگا که جا ده از آنجا می گذشت جمع شده بودند و شعاری می دادند. سربازان زمانی که متوجه شدند، فرماندهان آنها جوابی در مقابل سوال - هایشان ندادند و بطرف سیمهای خاردار که جلومردم را سد کرده بود روانه شدند. آه... چگونه میتوانیم صحنه رودروشی مردم با سربازان را توصیف کنم؟ سربازان میخواستند با مردم صحبت کنند. اما نگهبانها مانع میشدند. سربازها به نقاطی دورتر که تراکم نگهبانها را نداشتند، کمترین رفتی رفتند. و با مردم بیرون و علقمند، صحبت میکردند. آنطرف و آنطرف سیم خاردار بر سر بود. آدمها زیبا نبودند و حرفها زیاد تر. ولی همه یک حرف داشتند: چرا برادرش؟! (لنعت بر سیستمی که به خاطر حفظ منافع خلق را در مقابل یکدیگر قرار میدهد).

من هم حرف میزد و می گفتم: سربازان هم از این نیستند. که با ستون بیایند مردم برای من توضیح میدادند که این عمل ارتش ما نورا ست و با این کار قصد دارم کردستان را محاصره کند و سپس به خلق سلاح مردم بپردازد. آنها مصممانه می گفتند: ما مقابل شما هم کرد. ما جانمان را می دهیم تا حتما را بگیریم.

ساعتی نگذشته بود که دیدم عده ای از سربازان از سیمهای خاردار ره جدا شده و به طرف شهر رفتند. من هم بدنبال آنها از سیمها پریدم پشت سیم خاردار. یک

سرباز دیگر هم بود. جوان کردی با مساحت شروع به صحبت کرد. از مردم می گفت و از اوضاع کردستان توضیح میداد که: ما تجزیه طلب نیستیم، تنها حق خود را می - خواهم. میخواهم در چارچوب یک ایران مستقل، آزادی را داشته باشیم. و بدینجهت را از بین ببریم. میخواهم همه ما دامن دنا شنید و تا برای آزادی برویم. در این هنگام یک سرباز دیگر هم به ما ملحق شد. از صحبت - های مرد جوان معلوم بود که خیلی با سواد است. با قاطعیت سخن می گفت و لحنش گیرا بود. در آخر اسلحه کمری خود را که زیر کتفش بود به ما نشان داد و گفت: اینجا مردم مسلحند و خود شهر را اداره می - کنند. هیچ نیروی خارجی و از جمله عراق نمیتواند از طریق کردستان به ایران تجاوز کند. زیرا قدرت خلق مسلح آن را خواهد کوبید و این چیزها نیست که دولت ارتش در این باره میگوید و فیی بیش نیست و به این بها نه میخواهند کردستان را خام لاج کنند.

مابه آشنای گردمان که در همین مدت کوتاه به او احساس نزدیکی و صمیمیت میکردیم گفتیم که قصد داریم به شهر برویم و به خانه مان تلفن بزنیم. او قبول کرد و هر چه را نفر با یک اتومبیل به طرف شهر برد. ما به نزدیکی شهر که رسیدیم چند نفر مسلح که تا رنجکها می به کمر داشتند، راه را بسته بودند و ما شنیدیم که می گفتند جلوی ما را گرفتند، جوان کردی آنها به زبان کردی صحبت کرد و عاقبت معلوم شد که در شهر شایع شده است. سربازانی که به شهر می آیند برای جاسوسی است و از این رو احساسات مردم تحریک شده است و ممکن است اتفاقی بیافتد. از این جهت ما نمی توانیم به شهر برویم. دوست گردمان از ما معذرت خوا می کرد و گفت که نمی توانیم به شهر برویم. ما به او گفتیم که

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

وضع را درک میکنیم. روی یکدیگر را بوسیدیم و او هنگامی گفت که یک پیشمرگه است. به چشمان فروزانیش میگریستم، سوال آن جوان سنجی در مغز مطمئن انداز بود: "آیا هرگز یک پیشمرگه دیده ای؟" او اکنون یک پیشمرگه روبروی من بود، محکم و ستوار، مهربان و صمیمی، بهمانند نود و نه ساله ای که ایدل آن ن بر خاسته بود.

به پا دکان ترکشتم و شتاده بودم. سربازان از پشت سیم خاردار را میزدند صحبت میکردند.

۲۹ فروردین

تا ساعت ۱۱ صبح بود که فرماندهان سربازان را جمع کردند. همه منتظر بودند تا سیم خاردار را بکنند. حرفهای نگاری گذشته را به ما بخوراند در همین حین هلیکوپتر رسید و سربازان از آن پیاده شدند. او به میان جمع آمد و سربازان را فراموش کرد. سربازان، برادران من، همه گمان آن زمان منتظر سخنراستی یک فرمانده بودند. حیرت کرده بودند و با تکیه بیاد می نگریستند. همگی بدور او حلقه زدیم. سرباز شروع به صحبت کرد. فرماندهان خود را کنار کشیدند و به صحنه میگریستند. او با لحنی تند و گریه سخن میگفت: برادران من، این مردم نیستند که در شهر هستند (۱) بلکه گروهی سیاسی اند. انقلاب هستند. شهر در خفاقت است. مصلحان حق را از غیبت نهاده اند. (شبهه سخن گفتنش ما هراسان بود و سربازان را تحت تأثیر قرار داده بود) برادران شما باید این کفار را سرسجای خود بنشانید! ما قبل از اینکه ایرانی باشیم یک مصلحانیم. اینها در

بنفیه از صحنه روزهای...

تد. پیشمرگان کومه له که در ده "سره من" حضور داشتند، معا و مت پیدا شدند. به محض رسیدن پیشمرگان به دمکرات و سایر مناطق، بیکارا که ما را پیشمرگان کومه له فرستاده بودند، این مردان، ده ها فوق الذکر را سرک کردند. در جریان درگیری محضی که روی داد، یکی از پیشمرگان کومه له زخمی شد. در این یورش وحشیانه، خسارات مالی فراوانی به این روستاها وارد گردید. بنظر می آید که سربازان انانیه منازل را سرور کرده و یک خرم را به آتش کشیدند. (بغل از "آخبار رجمنس" مقابله، سربه محلی سازمان بیکارانه ۱۳).
■ - سید دم روز ۵۹/۵/۳۱ با سربازان مزدور رژیم جمهوری اسلامی همراه با "لیک توپهای ارتش روسی" حسن نوران

شهرها را میبکنند. آنها اعلامیه داده اند که حفظ جنین و روابط جنسی آزاد است!! او میگوید احساسات مذهبی سربازان را برای گیزدود را این راه از هیچ دروغی پاک نداشت. او مردم زحمتکش را که با چشمان خود نظرات آن را دیده بودند، با آنان سخن گفته و فریادهاشان را به گوش گرفته بودیم. خدا انقلاب مینا مید و با لحنی مطمئن تا خدا ترین دروغها را بر زبان می زانند. هنوز سخنانش پایان

را دوره کرده بودند و از او سوال میکردند: جلورستم و در میان سروصد را و پرسیدم: آیا مذاکره کرده اید؟ (بسرعت پاسخ داد: ارتش مذاکره نمیکند!)

جمعه ۲۹ فروردین:

ذهن سخت مغشوش است. احساسات متفادی در قلمب نیا شده و آزار می دهد. افکارنا راحت کننده ای به مغزم هجوم می آورد. بعضی لحظات گمان می -

بنی ضد ر گفته است که ستون باید حتما از شهر بگذرد. گویا در نماز جمعه هم گفته شده است که ارتش میباید هر مانعی را از میان بردارد و از شهر بگذرد. اگر تمام آن مردم می که در نماز جمعه می آیند، می دانستند که این مانع، خلق کرد است، آیا باز هم در تأیید این کشتار، "الله اکبر" می گفتند؟

نیافته بود که ناگهان یک سرباز از او پرسید: شما با پدر نیستید؟ همه ای از میان جمع برخاست. سخنران تا گوش ها پیش سرخ شد. مکشی کرد و گفت: بر فرض آنکه پدر را با شما، کجای حرفها می دروغ بود؟ هر یک از سربازان از سوئی شوالی میکرد. از هر گوشه صدای برمی خاست همه را و ج گرفته بود. در این میان سرباز سخنران، با بهتر است بگوئیم سرباز مذکور، به بیجا نه صحبت با یک سرباز به کناری رفت و نشست. بلافاصله معا و نست نیروهای او را گرفت و بحث را به موضوع آب آشامیدنی قرارگاه، مستراح و...

کشانید و به این ترتیب سعی داشت موضوع را عوض کند. اما اکثریت سربازان به عوامفریبی بیشتر نه ای که اتفاق افتاده بود پی برده بودند. تنها تعداد کمی از سربازان به حرفهای پا سدا را و ر داشتند. رفته رفته سربازان پراکنده شدند. و هر کذا به سمت جاده های خود رفتند. گروهی از سربازان معا و نست نیرو

کتیم که تا دلم زدست میروم. فکر میکنم زندگی چه زیبا و جقدر پیرا زش است. فردا روز جنگ است. روز کشتن، روز کشته شدن. اما چگونه میتوانم بروی برادرانم آتش بگشایم و آنان را بکشم؟

چگونه می با پدر را هدف می که به آن ایمان ندارم، هدفی که از آن من نیست. از آن خلق نیست. در راه منافع سرمایه در راه سرکوب انقلاب کشته شوم؟ راه چیست؟

۳۰ فروردین

روز در تردید و سرگشتگی میگذرد. دیشب هلیکوپترها مدور در نتیجه شام نخوردیم. تا پایی از شب سگر می کشیدم. فردا صبح سوراخ سوراخ شده، سنگرهای ما بند خنجرهای تاریکی دهان گشوده اند. در انتظار ره ما می نگردند. به رخمان می کشند که جنگ آغاز شده است. نزدیکی جنگ سربازان را نگران داده است. تنها امروز صبح از گروهان مدنفری، ۹۰ نفر فرا کرده اند و از گروها نه ای دیگر هم نزدیک به همین تعدادنا پدید شده اند.

سربازان نمی خواهند بروی برادران کرد خود را سلطه بکنند. امروز، شاید خیلی ها فرار کنند. بنی مدر گفته است که ستون باید حتما از شهر بگذرد. گویا در نماز جمعه هم گفته شده است که ارتش میباید هر مانعی را از میان بردارد و از شهر بگذرد. اگر تمام آن مردم می که در نماز جمعه می آیند، می دانستند که این مانع، خلق کرد است، آیا باز هم در تأیید این کشتار، "الله اکبر" می گفتند؟ با پدید آمدن قهرمانان مفتخوری که این احکام را ما در می کنند، گفت: اینها زن و بچه هستند. بگل و خاک نیستند که لمان کنیم و از رویشان بگذریم. چه خوب برای منافع خود، ما را وسیله کرده اند. آن بالا نشسته، بدو میگویند: "لنکشی کن!"

۳۰ فروردین:

دو بار به یاد داشت می نویسم: ساعت ۲/۵ بعد از ظهر است. تا حالا ۱۵ نفر از سربازان گروهان ما فرار کرده اند. تنها رما و نست نیرو در سخنرانی امروز خود میرحاجا گفت: "با پدید پیس برویم". در ضمن سخنرانی اش روزنا به مصری بنجانب اطلاعات را برای سربازان خواند که در آن نوشته شده بود که تیمی از ستون پا سدا هستند. سخنرانی که تا شد، هروا حباب جای خود بر گشت. هر چند هلیکوپترها مثل ملخ فراوانند و ما در در رفت و آمدند. مواد غذایی می آورند، با این همه غذا کم است.

از ادب و خبرتها جمبه دانگاها را می شنوم. اخبار ناراحت کننده روز بروز بیشتر میشود. خبر درگیری ارتش در سفر بر روجه مان خیلی تا شریک شده است. سربازان از جنگ با برادران شان نفرت دارند، شاید هم ترس ولی بیشتر نفرت است! (ادامه دارد...)

هواپیماهای رژیم، بجای رفتن بگردستان به نقطه نامعلوم گریختند

اخبار رسیده حاکیست که روز چهارشنبه ۵۹/۵/۲۲ یک فروند هواپیما ی باری ۱۳۰ که به گردستان از پایگا (سراسیاب) پرواز کرده، با بارو همایش به عراق فرار کرده است.

همچنین در همین روز (۵۹/۵/۲۲) فانتوم از پایگا هتا هرخ می همدان به قصد کوبیدن میا با دوا شوی پرواز کرده که بجای رفتن به گردستان به منطقه نامعلومی گریخته است. (احتمال می رود که فانتومهای مذکور پس از سوختگیری در ترکیه به آمریکا رفته باشند.)



داخل شهر حمله کردند و سه نفر از افراد ارتش را کشتند. رژیم در سر دشت نیز مانند سایر شهرهای تحت تسلط مثل سقز، میروان، با نه و سنج حکومت نظامی اعلام نموده است که این حکومت نظامی از ساعت ۹ شب تا ۹ صبح میباید، (همانجا)

اسوبه را تا جوامردانه مورد غارت و جاول فرار دادند. در این تهاجم وحشیانه با سربازان مقدار زیادی از آذوقه و زخمیکان این روستا از جمله قند، روغن، ... همچنین یک تراکتور را با مصالح به غنیمت بردند. پیشمرگان قهرمان کومه له، دمکرات و پیکار به محض اطلاع، فوراً خود را به آن منطقه رسانده و برای جلوگیری از پیشروی این غارتگران ضد خلق به سگر بندی پرداختند. تا آنکه آنها را وادار به عقب نشینی کردند. (بغل از "آخبار رجمنس" مقابله، سقز - شماره ۱۳)

سردشت:

در تاریخ ۵۹/۶/۹ پیشمرگان جنش مقاومت به نیروهای سرکوبگر رژیم در

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

رزمندگان و مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی - ۴ -

جنبش جهانی طبقه کارگر و توده های ستمدیده و انداختن آنان بدام بورژوازی و بیعفاخیزه بورژوازی دوام و بقا، حیات سرمایه داری بین المللی را پدیدارتر نموده است. (رزمندگان، شماره ۷)

اگر طفره رفتن ها و لغا فها را به کنایه ریزنیسم، انحراف رزمندگان از شکار می شود: رزمندگان بر آن است که به علت فقدان "حاکمیت پرولتاریا" و از بین رفتن سوسیالیسم در شوروی و نتیجتاً فقدان مبارزه ای فعال از جانب این کشور علیه نظام جهانی امپریالیستی "برطرفیت سرمایه داری بین المللی برای ادامه حیات" آفروده گشته است. یعنی سرمایه بین المللی

در برابر بورژوازی و امپریالیسم رابطه مستقیم برقرار می شود. بالطبع این تزلزل رویزیونیستی گاه با فوریت و گاه با تاخیر، گاه بطور آشکار و گاه به شکل پوشیده در عرصه های مختلف خود را ظاهر می سازد. این تزلزل نه تنها در برخورد به مسائل ملی بلکه همچنین در برخورد به مسائل بین المللی به درجات مختلف و در اشکال گوناگون خود را نشان می دهد. برای روشن تر شدن این مسئله به تحلیل خود از تزلزل رویزیونیستی رفقای رزمندگان و انعکاس آن در عرصه های دیگر ادامه می دهیم:

هما نظر که میدانیسم رفقای رزمندگان تحت پوشش

- جریانی که دچار تزلزل و گرایش رویزیونیستی - بورژوازی می باشد نمیتواند علیه ایدئولوژی سرمایه دارانه بورژوازی بطور قطعیانه مبارزه کند.
- نفی ماهیت بورژوا - امپریالیستی اقتصاد شوروی ناشی از وجود انحراف بورژوازی در ایدئولوژی و مشی رفقای رزمندگان است. این انحراف یا تزلزل رویزیونیستی اجازه نمیدهد تا عینیت سرمایه دارانه و امپریالیستی شوروی مورد تحلیل علمی قرار گرفته، شناسائی شده و در نتیجه مورد تعرض مبارزاتی واقع گردد.
- رفقای رزمندگان زمانی که، سوسیال امپریالیسم روس را از جنبه امپریالیسم جهانی خارج مینمایند، بناگزیر در مبارزه ضد امپریالیستی "جنبه عمومی نهضت انقلابی" سوسیالیسم اختلال و انحسار ف وجود می آورند.

در شرایط فقدان سیستم سوسیالیستی در شوروی و چین امکان پیدا کرده است تا حیات خود را تا و م بیشتر بخشد. به علاوه رزمندگان با افاه میکنند که غلبه رویزیونیسم در شوروی و چین جنبش جهانی طبقه کارگر و توده های ستمدیده را به انحراف کشیده و این امر دوام و بقا حیات سرمایه داری بین المللی را پدیدارتر نموده است.

تزلزل رویزیونیستی رزمندگان کجا خود را آشکار می سازد؟ جوهر کلام رزمندگان این است که غلبه رویزیونیسم در شوروی منجر به بازگشت سرمایه داری و استقرار اقتصاد امپریالیستی نگشته و بنا بر این شوروی به ثبات واقعیتی سرمایه دارانه به شکل سیستم جهانی سرمایه فزوده نگردیده است بلکه شوروی به سبب غلبه رویزیونیسم در آن به سیستم جهانی مدد رساننده تابشتر دوا می آورد.

در دین تحلیل انحراف باید گفت مسئله فرا تراز آن چیزی است که رزمندگان میگویند بنظر ما غلبه رویزیونیسم و مجموعه تحولات روبنا و زیر بنا و شوروی این کشور را به یک کشور سرمایه داری امپریالیستی تبدیل نمود، یعنی کشوری که علیرغم شک و پوشش سوسیالیستی خود علیرغم ویژگیهای ثرائق اقتصاد در، ما هیت خود امپریالیست است. شوروی همانند امپریالیسم آمریکا، ژاپن، آلمان و غیره خود نیز امپریالیست است. از لحاظ ما هیت امپریالیستی بین شوروی و امپریالیستهای دیگر هیچ تفاوتی وجود ندارد. این واقعیت چنانچه بیجهت به بار می آورد؟ روشن است که به

"مورد تحلیل اقتصادی از شوروی" و "عدم پاسخ دقیق و علمی" در این مورد ما هیت امپریالیستی شوروی را نفی میکنند، نفی ماهیت امپریالیستی سوسیال امپریالیسم روس، انعکاسی از همان تزلزل بورژوازی در برابر رویزیونیسم و عدم درک پرولتری از این مقوله می باشد به بیان دیگر با توجه به بحث فوق نفی ما هیت بورژوا - امپریالیستی اقتصاد شوروی ناشی از وجود انحراف بورژوازی در ایدئولوژی و مشی رفقای رزمندگان است. این انحراف یا تزلزل رویزیونیستی اجازه نمیدهد تا عینیت سرمایه دارانه و امپریالیستی شوروی مورد تحلیل علمی قرار گرفته، شناسائی شده و در نتیجه مورد تعرض مبارزاتی واقع گردد. در یک کلام باید گفت بین آن تزلزل و عدم مبارزه علیه ما هیت امپریالیستی شوروی رابطه مشخصی برقرار است. گذشته از این مطلب نکته ای که در اینجا مورد بحث اصلی ما است این است که این تزلزل رفقای رزمندگان خود را فقط در نفی ما هیت امپریالیستی شوروی منعکس نکرده و بلکه در زمینه های دیگر و از جمله در تعیین جایگاه بین المللی شوروی، در تعیین استراتژی و تاکتیک پرولتاریا و مشخص نمودن دشمنان و دوستان بیسی - المللی طبقه کارگر... نیز بروز میکند. اما چگونه؟

"رزمندگان" جایگاه جهانی شوروی را مورد نفی قرار میدهد

رفقای رزمندگان می نویسند:

"ما عقیده داریم که غلبه رویزیونیسم بر شوروی و چین بر ظرفیت بورژوازی و سرمایه داری بین المللی برای ادامه حیات شکنج خویش بی آفروده و به انحراف کشیدن

مطلب اساسی مورد بحث ما نشان دادن این واقعیت است که تزلزل رویزیونیستی رفقای رزمندگان در مقابل ما هیت امپریالیستی شوروی در زمینه های دیگر نیز انعکاس یافته و اگرچنانچه این تزلزل مورد شما هم مبارزه ای سخت قرار نگیرد هر چه بیشتر ریشه دوانده و خطرناکتر میگردد.

قبل از آنکه انعکاس این تزلزل را در مورد دیگر نشان بدهیم توضیح یک مطلب ضروری بنظر میرسد: این واقعیت که تزلزل در برابر رویزیونیسم به همین جا محدود نمی شود، حقیقتی است که به بارها و بارها صحت آن به اثبات رسیده است. این حکم چرا درست است؟ در واقع تزلزل در برابر رویزیونیسم به معنای تزلزل در اعتقاد به مارکسیسم لنینیسم و تزلزل نسبت به آرمان پرولتاریا و کمونیسم از یکسو و تزلزل و سستی در مقابل ایدئولوژی بورژوازی از سوی دیگر می باشد. یک جریان مارکسیستی که در برابر رویزیونیسم و مبارزه علیه آن دچار ضعف و تزلزل است در حقیقت دچار یک انحراف بورژوازی می باشد. بدین معنا که در ایدئولوژی و مشی حاکم بر این جریان، نقطه - نظرات و گرایشات بورژوازی وجود دارد و بنا بر این انحراف ایدئولوژیک مانع از آن میشود که مقولیه رویزیونیسم به مثابه یک ایدئولوژی بورژوازی درک شده و آن را مرز بندی پرولتری صورت گیرد. آری جیانی که دچار تزلزل و گرایش رویزیونیستی - بورژوازی می باشد نمیتواند علیه ایدئولوژی سرمایه دارانه و بورژوازی بطور قطعیانه مبارزه کند.

حال جریانی که نتواند بطور همه جا نیه علیه ایدئولوژی بورژوازی و مشی مظهر آن مبارزه ای بیکباره به پیش برد، بناگزیر با درخواهد بود علیه پدیده عینی بورژوازی بطور جدی و انقلابی به جدال متحول کننده برخیزد. برای آنکه بتواند واقعیت جا به جا سرمایه داری را بطور علمی شناخته و در جهت تغییر انقلابی آن حرکت نمود می باید به ایدئولوژی پرولتاریا یعنی سوسیالیسم علمی ملج بسود بدون ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی تغییر - انقلابی و اطمینان در جهت منافع پرولتاریا امکان نخواهد داشت. حال زمانی که جریانی در ایدئولوژی و مشی خود نقطه نظرات و گرایشات بورژوازی را مستتر دارد و نتیجتاً دچار تزلزل رویزیونیستی بسوده و در میان ایدئولوژیک مارکسیستی خود از استواری لازم برخوردار نمی باشد، آری در چنین هنگامی در امر تغییر انقلابی و اطمینان و عینیت سرمایه داری، استواری لازم وجود نخواهد داشت. در این مبارزه جهت تغییر انقلابی و اطمینان سرمایه داری مستلزم استواری در مواضع ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی و مرز بندی بسا ایدئولوژی بورژوازی (و از جمله در شکل رویزیونیستی آن) می باشد. هرگونه تزلزل رویزیونیستی در مرنفی انقلابی عینیت بورژوازی، سرمایه داری و امپریالیسم سیستمی و اخلاص وجودی می آورد. هرگونه گرایش رویزیونیستی، عینیت بورژوازی، سرمایه داری و امپریالیسم را موردنا شدت قرار داده و با لایحه هرگونه خط - مشی رویزیونیستی در جهت حفظ و حراست و پاسداری از واقعیت بورژوازی، سرمایه داری و امپریالیسم فحشاء میکند.

بنابراین بین تزلزل رویزیونیستی و تزلزل

برچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

استثما روحا و زیر مردمان مستعمراتی می باشد " مبارزه علیه سیاست مستعمراتی سوسیال دمو- کراسی با بسی از طرف کمونیستها بمنزله یک قسمت اصلی و عضو از مبارزه آنان علیه امپری- الیسم تلقی گردد. " (کمونیستها و جنبش رها نشی - بحث ملی - کمیترون ۱۹۲۸) (ناکدا زما ست) کمیترون بدرستی بر آن است که سیاست روبرو- سیستها و سوسیال دمکراتها درقبال مستعمرات سیاست استعماری بوده و مبارزه علیه این جریانات بمثابه یک بخش اصلی و ما هوی از مبارزه ضد امپریالستی بشمار می آید. حال بطریق اولی بر اساس این سیاست و رهنمود کمونیستی و طایف کمونیستها در مورد قدرتی سانی اقتصاد امپریالستی و بخصوص کشورها نشی

شوروی محدود نشده، بلکه علاوه بر آن به تحریف جایگاه جهانی امپریالسم شوروی نیز کشیده میشود. یعنی از آنجا که رفقای رزمندگان شوروی را یک کشور سرما به- داری و امپریالستی نمیدانند، بدین لحاظ ایمن کشور را در اردوگاه وجهیه جهانی امپریالسم قرار نمیدهند، برپا به این تحلیل رزمندگان عمل به اختراع جبهه جدیدی خارج از دو جبهه اساسی فوق الذکر میرسند، جبهه ای که نه برپا به و ا تعیبات جهان مایلکه برپا به - انحراف غیر پرولتری و ذهنیات بی اساس استوار است!

"رزمندگان" مبارزه ضد امپریالستی علیه شوروی را نفی میکند

از نقطه نظر مبارزه ضد امپریالستی دیدگاه فوق

● برخلاف نظرات انحرافی رزمندگان که معتقد است علیه روبرو نیسم در شوروی فقط به سرمایه داری جهانی کمک کرده تا بیشتر تروم پیدا کند، ما بر آنیم که شوروی خود به یکی از کشورهای سرمایه داری جهان امپریالستی و بطور مشخص تر به بخش جدائی ناپذیر از سیستم جهانی سرمایه مالی تبدیل گردیده است.

● دیدگاهی که مضمون مبارزه ضد امپریالستی علیه شوروی را نفی کند یک دیدگاه انحرافی و غیر- پرولتری می باشد. کمونیستهای پیگیر مبارزه بر ضد امپریالسم شوروی را از مبارزه بر ضد مجموعه سیستم جهانی امپریالستی جدا نمیکند.

که جنبش برجسته در حفظ نظام امپریالسم جهانی دارند، ما را حجت تمام مشخص میکند. وظیفه کمونیستها درقبال قدرت استعماری و امپریالستی شوروی عبارت از بیشتر مبارزه ای سخت و آشنی ناپذیر می باشد. مبارزه ای که بطور حتم یک قسمت اصلی و عضو از مبارزه آنان علیه امپریالسم را تشکیل میدهد.

بر اساس توضیحات فوق دیدگاهی که مضمون مبارزه ضد امپریالستی علیه شوروی را نفی کند یک دیدگاه انحرافی و غیر پرولتری می باشد. کمونیستهای پیگیر مبارزه بر ضد امپریالسم شوروی را از مبارزه بر ضد مجموعه سیستم جهانی امپریالسم جدا نمی سازند و به طیفه ها و رگرو خلفهای جهان را مادی را اعلام می - کنند که بخشی از مبارزه ضد امپریالسم آنان مبارزه علیه شوروی امپریالستی، سمکری ملی و ساسنت نوسمعمراتی آن می باشد. و نیز اساس مبارزه ضد امپریالسمی جدا از مبارزه علیه مزدوران شوروی مانند حزب بوده و خوا هدیود. آری کمونیستهای پیگیر مبارزه ضد امپریالسم شوروی و ارتجاع بومی را از مبارزه علیه امپریالسم جدا نمیکند، بلکه علاوه بر مبارزه امپریالسمی را محدود به یک بخشی از امپریالسم - لیستها نمیکند و هرگز نخوا هد کرد.

اما کمونیستهای که با پیگیرند و دارای تزلزلات روبرو نیسمی می باشند این مفهوم پرولتری از مبارزه ضد امپریالسمی را مدنظر دارند و نه همی - لحاظ در مبارزه ضد امپریالسمی پرولتاریا و خلفهای جهان و ایران اختلال وارد می سازند. رفقای رزمندگان در همین راه کامیابگردند، راهی که انحرافات دیگری نیز در پیش دارد.

ادامه دارد.

قدرت رسیدن بورژوازی نوین در شوروی بطور مشخص بمعنای ضربه ای سخت و جایگاه به طبقه کارگر شوروی، برجینش کارگری - کمونیستی بین المللی و برانقلاب خلفها میباید. ما بودی سوسیالسم در شوروی بمعنای ضربه ای سخت بر سیستم سوسیالستی و انقلاب پرولتاریا بشمار می آید. اما مسئله به این محدود نمیباشد. از آنجا که شوروی به یک قدرت بورژوا امپریال- لیستی تبدیل میگردد، بنا بر این شوروی با ورود مستقیم خود به جبهه سرما به داری، اردوگاه جهانی سرما به داری امپریالستی را تقویت می نماید. شوروی بمثابه یک قدرت جدید امپریالستی به اردوگاه جهانی سرمایه مستقیم می پیوندد و خود بخشی از کانک ولایتک از سیستم جهانی امپریالستی میگردد. بر خلاف نظرات انحرافی رزمندگان که معتقد است علیه روبرو نیسم در شوروی فقط به سرمایه داری جهانی کمک کرده تا بیشتر تروم پیدا کند، ما بر آنیم که شوروی خود به یکی از کشورهای سرمایه داری جهان امپریالستی و بطور مشخص تر به بخش جدائی ناپذیر از سیستم جهانی سرمایه مالی تبدیل گردیده است.

امروز که ما را از نقطه نظر سیستم جهانی سرما به داری بخش اساسی تقسیم شده است: سوسیالسم امپریالسم حال برپا به این تقسیم بندی اساسی و با توجه به واقعیت امپریالستی شوروی، این کشور نه در میان این دو سیستم، بلکه دقیقاً در اردوگاه امپریالسم جهانی قرار دارد. برخلاف این تحلیل ما کمونیستی، رفقای رزمندگان شوروی را عملاً در میان این دو سیستم قرار داده و شوروی را فقط بمثابه یک رماننده به سرمایه داری جهانی ارزیابی می نمایند.

رفیق استالین می نویسد:

"امپریالسم عبارت از سیستم دنیای امارت مالی و مظلوم مستعمراتی است که از جانب ممتنی کشور - های "مترقی" بر اکثریت عظیم سکنه روی زمین روا میگردد. " او ادامه میکند که همین خاطرات که "اکنون با بدربار انقلاب پرولتاریا بی جهانی گفتگو شود، زیرا جبهه های ملی جدا گانه سرما به به حلقه های زنجیر و احدی که جبهه جهانی امپریالسمی بمثابه می شود بدل گردیده است که در مقابل آن با یک جبهه عمومی نهفت انقلابی همه کشورهای فرا داده شود. " (مول لنینیسم).

حال رفقای رزمندگان با بدبایخ گویند که سوسیال امپریالسم شوروی در کدام یک از این جبهه - ها قرار دارد؟ اگر شوروی در جبهه عمومی نهفت انقلابی و سوسیالسمی باشد، آیا جایگاه دیگری جز در "جبهه جهانی امپریالسم" می تواند داشته باشد؟ آری رزمندگان با بدروشن کنند که جایگاه جهانی سوسیال - امپریالسم شوروی در کدام است؟ رفقای رزمندگان بر - اساس تزلزل روبرو نیسمی و بورژواشی خود چنین جواب میدهند که شوروی سرما به داری امپریالستی نمی باشد بلکه بین کشور از آنجا که دیگر کشور سوسیال - لیستی و دیکنتوری پرولتاریا نیست، فقط کمک رها شده به "جبهه جهانی امپریالسم" جهت تسدوم زندگی تنگین اش می باشد!

بدین ترتیب می بینیم که تزلزل روبرو نیسمی رفقای رزمندگان فقط به نفی، ماهیت امپریالستی

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۳)

در شماره قبل، رفیق تراب به موضوع سازشکارانه اغلب روحانیون ایران طی سالهای ۴۰ تا ۴۹ در قبال مسائل سرنوشت ساز کشور پرداخت. ادا به گفتگوی ما را با رفیق میخوانند:

■ **پیکار:** قبل از ادا مبحث درباره موضوع روحانیون و آیت الله خمینی در سالهای ۴۱ پیچیده، پیشنها میکنم توضیحی درباره این نکته که میگویم برای خوانندگان ما بدهید. در قسمتی از مصاحبه که در شماره ۲۱ چاپ شده به کنایه از آیت الله خمینی تحت عنوان "کشف الاسرار" اشاره کردید، موضوع این کتاب و مواضعی که در آن آمده چیست؟ در حدی که لازم میدانم مطالبی در این رابطه مطرح کنید:

■ **رفیق تراب:** پیش از پاسخ باید از اینکه در گفتگوی قبلی تا ریح تالیف این کتاب را اواخر دوره رضا شاه ذکر کردم عذرخواهم. این کتاب تا ریح تالیف ندارد ولی از برخی اشارات که در آن آمده معلوم میشود که در بین سالهای ۴۰ تا ۴۳ نوشته شده است. موضوع اصلی کتاب پاسخ به اشکالات و ابهامات شبهات مذهبی است که از سوی کسانی مانند احمد کسروی و شریعت سنگلی و یکی دیگر نظیر آن در آن سالها مطرح میشده است. افراد اخیر جزئی از یک جریان روشنفکری بورژوازی بودند که میکوشیدند در قبال یک نهضت اصلاح طلبانه فرهنگی و با تحلیلی روینا شایسته از مسائل جامعه با اصلاحات مباحثه کنند و اعتقاداتی را که به پیچیدگی علوم جدید که تازه به ایران راه پیدا کرده بود، قابل توجه نبود، مورد انتقاد قرار میدادند. آنها توانسته بودند در محدوده روشنفکران سروداشتی بپا کنند. انتقادات آنان اصلاحیه سیاسی نداشت و حول مسائلی مانند پرواز عیسی به آسمان، زیارت امامان، استخاره، هندوئیسم و اینکه قوانین فقهی اسلامی بدرد امروز میخورد یا نه و امثال اینها دور میزد و کتاب "کشف الاسرار" بطور عمده به پاسخ تفصیلی به این نوع اشکالات میپرداخت.

در اینجا بدینست اشاره ای کنم به وضعی که روشنفکران بورژوازی کشورهای اسلامی در قبال نفوذ تمدن اروپائی داشتند و کوششی که برای تلفیق فرهنگ مسلط مذهبی جامعه خود با معیارهای علمی بکار میبردند. آنها سعی میکردند اصول اعتقادات مذهبی را با اصطلاح "توجیه علمی" کنند و فروغ و اعتقادات عامه را اگر با "علم" قابل توجه نبود، یا مسکوت بگذارند یا رد کنند. سابقه این نهضت روشنفکری به حدود ۱۰۰ سال پیش یعنی دوره سید جمال الدین استادی و شیخ محمد عبده (در مصر) میرسد. آنها درحالیکه ما تریا لیس را با اصطلاح رد میکنند و مثلاً سید جمال الدین کتابی در "ما تریا لیس منما متبجریه" (ما خود از کلمه انگلیسی NATURE بمعنی طبیعت) به مفهوم مادیگرایی و طبیعی گری مینویسد و استدلال مضحکی در حقانیت ایدئالیسم مذهبی ارائه میدهد. در عین حال شاگردش شیخ محمد عبده در تفسیری که از قرآن نوشته و دیگر کتابهاش میکوشد استاها و حوادث غیر عادی را که در قرآن و مذهب آمده و نیز احکام اسلامی

لحاظ اعتقادی در قبول انتقادات با عدم انتقاد حساسه میشود. کلماتی نظیر "مکتبی"، "مطلبان اصل"، "انسان اسلام"، "شرقی، نه غربی" و... دگما تسمیه قرار عقب مانده اجتماع ایران خرد بورژوازی و بورژوازی متوسط سنی را میرساند که سعی دارند به خود علیه لیبرالها و نیز انقلابیون مذهبی نظیر مجاهدین را، از پایگاههای ارتجاعی توجیه و تفسیر کنند، بدین

را با قضاای علمی با اصطلاح توجیه کد میلا در قرآن داسانی هست که با دنا هشیه برای تصرف مکه و خراب کردن خانه کعبه لشکر کشی نمود ولی قبلیهای جنگی او در اثر ریه که بی کبر سنها در دهان گرفتند و سرسری قبلیها زدند مردند و ارتش مهاجم شکست خورد. این قضیه در روایات مذهبی به "اصحاب القیل" معروف است. شیخ محمد عبده که از لحاظ علمی چنان داسانی را

- کتاب کشف الاسرار نوشته آیت الله خمینی مشتمل بر چه مطالبی است؟
- آیا خرد بورژوازی میتواند انتقادی ننهد؟
- روحانیون بزرگ چه موضعی در قبال شاها داشتند و چه کمکیهای به آنان کرده اند؟ جواب را از آیت الله خمینی شنیدیم.

معنی که از پایگاه "اسلام اصیل و مکتبی" علیه انتقادی گری مبارزه میکنند. اما این موضع تا چند امکان پذیر است؟

این با اصطلاح غیر انتقادی ها در حالیکه از فسط عقب مانده گشتان، موضع خود را اینچنین توضیح میدهد ولی خودشان نیز بدلیل ماهیت طبقاتی و سبب خرد بورژوازی نشان نمیتوانند دور از انتقاد باشند. در عمل تا گزیرند انتقاد را بپذیرند. خرد بورژوازی بدلیل ماهیت دوگانه اش، در پهنه بدلولوژی، ارزش های مربوط به کار را با "ارزش های مربوط به مالکیت در هم می آمیزد و به همین دلیل در شرایطی که مبارزه ضد استثمارری طبقه کارگر بعنوان مسئله ای جهانی مطرح است، خرد بورژوازی علیرغم تلاش برای محدود کردن یا "تعدیل" مالکیت، هرگز از تقدیس آن نمی تواند دست بکشد. مثلاً لیا فراوان است و لازم نیست ذکر کنم، اگر بخواهم برای تلفیق قوانین اسلامی شرایطی که در طول تاریخ برای مسلمانان پیش آمده و در نتیجه منجر به وارد شدن برخی نهادها و احکام مثلاً بورژوازی به دزون قوانین اسلامی و به حذف و تراشیدن احکام اولیه شده است مثالی بیاوریم. توانیم به توجیهات و "کلاه شرعی" ها شایسته رکنیم که مثلاً برای حلال کردن و مجاز شمردن "ربا" عملی شده است. این توجیهات در نتیجه نیازهای اقتصادی و ضرورت ایجاد تسهیلاتی در مبادلات پولی پیدا شده و عملاً "حرمت ربا" را که دیگر با رشد روابط کالائی سازگار نیست، نقض کرده است. من فکر میکنم این موضع مشمول تعریف انتقاد میشود بدین معنی که هم "ربا را حرام" میدانند و هم عملاً آنرا "حلال" میسازند و ونا آنرا به "بیع" یا "معا لحه" یا... تفسیر میدهد. جویز و بهره ها و کلاماً معاملات بانکی را که تابع قوانین بورژوازی است، بصورت شرعی و اسلامی در می آورد.

نمیتوانست توجیه کند می گفت: لشکر عبده چا رو با شد و آن ریه که ها نا میکوبهای و با بودند!

در ایران نیز روشنفکران مذهبی بورژوازی فراوان به چنین توجیهاتی دست زدند. مهتندس با زرگان از سالهای ۱۳۲۰ پیچیدگیاها و جزوات مختلف در "اثبات علمی بودن" احکام مجازات و طهارت و با دو باران وجود "جن و فرشته" دست بدمان فرمولهای فیزیک و ترمودینامیک شد. و با دکتر عبد الله محاسبی کوشیدند نظریه تکامل انواع داروین و غیره را با هزار چسب و سریشها داستانهای آفرینش که در کتب مذهبی منجمله قرآن آمده وفق دهد. آن توجیهات بطور تکامل یافته تر در پهنه مسائل اجتماعی هم نفوذ کرد. تلفیق و تلفیح افکار مذهبی با نظریات جامعه شناسی بورژوازی و گرایشهای خرد بورژوازی از طرف دکتر شریعتی و با تلفیق اسلام با رکنیسم از طرف انقلابیون دمکراتی نظیر مجاهدین خلق که با ساز پایگاه خرد بورژوازی میانی و پاشین حرکت میکردند، ادا مه همان حرکت تلفیقی و انتقادی است که از قریب صد سال پیش شروع شده است. این حرکت همانطور که گفتیم سابق طولانی دارد. برای مثال برخی علمای اسلامی که میرا سا پایگاه طبقاتی بورژوازی یا خرد بورژوازی شان در مدرم شروط با مشروطیت موافق بودند سعی فراوان کردند که مشروطیت و حکومت با رلمان را با معیارها و ضوابط اسلامی همخوانی دهند کتاب "تنزیه الامه/ با حکومت در اسلام" نوشته آیت الله نائینی که با توضیحات آیت الله طالقانی سالها پیش منتشر شد، همین هدف را دنبال میکرد.

در برابر اینان کسانی بودند که آیت الله خمینی که جز مهای مذهبی را همانطور که بود می پذیرفتند و ضرورتی در توجیه آنها با قوانین علمی نمی دیدند. تبلیغات گسترده ای که امروزه را محور مبارزه جناحی از رژیم لیبرالها و نیز مجاهدین را تشکیل میدهد از

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

من کتاب را با خودم آوردم تا کلاً زانها بگذرد، برای اینکه کلاً مستند حرف زده باشم تا برای شما از روی میخوانم: آیت الله خمینی در این کتاب سخنانی دارد که امروز برخی از آنها را عیناً تکرار میکنند نظیر ولایت فقیه و برخی دیگر را مسکوت میگذارد یا برخلاف آنها میگویند اما هیچ انتقادی نسبت به موضع گذشته خود نمیدانند. مثلاً در صفحه ۶۷ در مورد «اتحاد کبیری» میگویند: «اتحاد کبیری» در واقع یک اتحاد است که در آنجا خود را میگویند و در آنجا کلاً زانها بگذرد، برای اینکه کلاً مستند حرف زده باشم تا برای شما از روی میخوانم: آیت الله خمینی در این کتاب سخنانی دارد که امروز برخی از آنها را عیناً تکرار میکنند نظیر ولایت فقیه و برخی دیگر را مسکوت میگذارد یا برخلاف آنها میگویند اما هیچ انتقادی نسبت به موضع گذشته خود نمیدانند. مثلاً در صفحه ۶۷ در مورد «اتحاد کبیری» میگویند: «اتحاد کبیری» در واقع یک اتحاد است که در آنجا خود را میگویند و

در اینجا درس را به چهار ازمه تقسیم کردیم. اینگونه مباحث از طرف ما، سوژه در برابر موضوعی نهجود میماند. اما نسبت که ما هدف و مینه دیگر غیر از هدف انقلاب در برابر ما انقلاب میگردیم. اما حوسنی آقا می داریم که در هم میخواند هدف واحد خلق و کلبه سروهای انقلابی و بعدا میرا لیبی را از طرف ما مثل احرافی و غلم کردن می نامید می خاد می مثل غیر مذهبی ما، به معرفه می کند. اما نسبت به اس سوخته هبازی کا دل داریم و جدت سروهای انقلابی و صد امیرا لیبی و دیگر ما به داری و اسم و دیگر یک را با تمام فوا را به داری می کنیم. لیبی کمونیستی و انقلابی ما برای روش کردن فطاط ساریک و میا می غیر علمی که دردی بوده ها از دورا بهای سیری شده ما مانده موضع لیبی ما را در فطاط حکم و جدت سروهای انقلابی لیبی امیرا لیبی و ما به داری و اسم و سنوار و روس سرنسازد.

به مهالهای دیگر در رابطه با فقه و الفقهات بر می گردیم.
در فتوای که آیت الله خمینی حتماً فیس صادر
کرده و در سبک راه ۷۰ آیه موسیقی را مطلقاً حرام و ادا سبده
ولی عملاً محسوس است آنرا سبده و یا «مطلقاً» اسلامی است
کند. رند و گیل مل تولدی در ورزب ترک زبان در میان
اجتماعی را حجاب کرده و محمدتوسلر عمیلستان
یا کورسید ترک زبان را در اخبار و یا هسین با مطلق
«حجاب» اسلامی را بیان می کند و موسیقی که در میان
بسیج فقهی مثلاً حاضر است ترک زبان در اخبار
شودند. (رجوع کنید به لکراف آیت الله خمینی به
شاه در سال ۴۱ - پنجاه و یک) اینها اگر الفقهات سبده
حسب آن در سالها بعد «الغروه و الفقهی» که آنرا
یکی از محمدتوسلر و یکی در مروه سبده محمدکاظم
زدی و سبده و آری رفیقه آن در اخبار سبده
بردی (مثل آیت الله خمینی و سبده و آری...) است.
و مهال سبده یا آری محمدتوسلر معروف در تهران
خدا حجاب سبده در صفحه ۶۲۴ سبده سبده:

[illegible]

سکائی را کہ بطور سبباً ر محصور و پھر سب وارید اپنا

www.peykar.org

که در اوائل سالهای ۴۰ همزمان با ضربه خوردن فتوای لیس، با بیعتی بورژوازی به مسئله مرجعیت شیعه، نظر کرده همین موضوع شعبیت دستگاه روحانیت از کسانیکه خرج آنان را تا مین میکنند "بتفصیل ذکر کرده که آنرا از روی کتاب برای شما میخوانم: "مهمترین نقی که در دستگاه رهبری دینی ما... بوجود آمده مربوط به بودجه و معاش و نظام مالی و طرز ارتزاق روحانیون است". (مفحه ۱۷۶) و در جای دیگری گوید:

"روحانیت عوام مزده ما چاره‌ای ندارد از اینکه همواره سکوت را بر منطق و سکون را بر تحرک و نفی را بر اثبات ترجیح دهد زیرا موافق طبیعت عوام

برای مملکت از همه بدتر بود زیرا دل توده از دولت بوا سطه قهارها و بی عدالتی‌ها رنجیده است و دولت با دل جریحه‌دار مردم نمیتواند از مملکت خود (؟) دفاع کند لکن اگر نفوذ روحانیت نبود مردم ما تنه مدراول اسلام و رد عمل نمیشدند و مملکت با دست و احوقه روحانی و دل گرم از خود دفاع میکرد با دیگران را برنگ خود درمی آورد. این یکی از خطاهای دولت بود و هست."

حرف آیت الله روشنتر از آنست که به تفسیری احتیاج داشته باشد، و روحانیت را در واقع برای مرهم گذاشتن بر "دل جریحه‌دار مردم" و "سازش دادن آنها با رژیم" که چیزی جز بیعتی از تمحیل آنها نیست -

آیا سکوت اغلب مراجع طی سالهای سیاه گذشته، ناشی از "موقع سنجی های معجزه آسا" بود؟
● ما بخوبی آگاهی داریم که رژیم میخواست و حد خلق و کلیه نیروهای انقلابی و فدا میرا لیستی را با طرح مسائل انحرافی و علم کردن مفی بنام مذهبی ها در مقابل غیر مذهبی ها، به تفرقه بکشد.

است. حکومت عوام منتهی رواج بیحد و حصر را و مجامع و نظرها و گفتمان حقایق و آرا بش قیاس و پروا ختن به هیکل و شیوع عناوین و الفاظ بالا بلند در جامعه روحانیت مانده که در دنیا بی نظیر است". (مفحه ۱۸۵)

جالب است که سکوت بسیاری از روحانیون بویژه مراجع طی آن سالها را امروز دستگاههای تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی بعنوان زیرکی ها "موقع سنجی های معجزه آسا" جا میزنند که بیه، وقتش نبود! آری، تا سال ۴۱ که روحانیون بزرگ و مراجع عمدتا متکی به فتوایها بودند و البته آنها با رژیم تضادی نداشتند وقت مبارزه هم نبود. آیا بهمین دلیل نیست که تا ریح مبارزاتی میهن ما از نظر رژیم جمهوری اسلامی از همان سال ۴۲ شروع میشود که آقایان "مبارزه" را "جایز" شمرده اند؟ و همان حرکت خودشان را امدها تا ریخ سا خسته اند؟

با همین تحلیل، به سالهای پس از ۴۲ نگاه کنیم. آیت الله خمینی با مجموعه مواضع طبقاتی و بینشی فکری خود، شما بیدگی خرده بورژوازی مرفهستی را بعهد میگیرد. این قشر در زیر فشار نظام کمپرادوری، زندگی خود را در خطر می بیند و به مخالفت با هیئت حاکمه برمی خیزد و از آمریکا که میرا لیسم مطلقا ست شدیداً آزرده است اما آنقدر بیگرنیست (و نمیتواند باشد) که بطور انقلابی، کل رژیم وابسته به میرا لیسم شاه را بشال و زیر سوال ببرد، و ترورجنعلی منصور (نخست وزیر) در سال ۴۳ و سخنرانی مؤثر و مبارزه جویانه آیت الله خمینی علیه نفوذ و نفوذ افزون آمریکا و لایحه کاپیتولاسیون، برجسته ترین تلاش سیاسی این قشر در آن سالهای خفگان و سرکوب است و در سالهای بعد که بتدریج در اثر سرمایه گذاری های خارجی و افزایش پول نفت از خوان بخیای سرمایه داری وابسته به خرده بورژوازی مرفهستی و بویژه تجار بازر سهمی از آن بساط میسر دور میبشود و ندرمان قالب سرمایه داری وابسته تناقضات اقتصادی و سیاسی خود را هر چند بطور موقت - حل کند و هنوز بهین بیست

بقیه در صفحه ۱۷

قرار داشته اند دفاع کرده است. آیت الله خمینی نه روحانیون را - که خود به طبقات مختلف اجتماعی ست اند و بر اساس پایگاه طبقاتی شان با رژیم شاه و استکبر و استعمار رگر بر خورد کرده، با آنها سازش با رزه نموده اند - بهیچوجه مخالفت با رژیم نمیدانند. (مفحه ۱۸۶) کتاب "درنا کید نظر خویش مینویسد: "مجتهدین هیچوقت با نظام مملکت و با استقلال ممالک اسلامی مخالفت نکردند و فرما که این قوانین را بر خلاف دستورات خدا بی اند و حکومت را جا برانه (ظالمانه) شخصی دهند با مخالفت با آن نکرده و نمیکنند؛ زیرا که این نظام مپوسیده را با ز بهتر میداند از آن بدتر است. و لهذا حدود ولایت و حکومت را که تعیین میکنند پیشتر از چندا سر نیست. از این جهت فتوا و فتاوت و دخالت در حفظ مال صغیر و قاصد، و در بین آنها هیچ اسمی از حکومت نیست و ابداً از سلطنت اسمی نمیبرند با آنکه جز سلطنت خدا شی همه سلطنتها بر خلاف مصلحت مردم، و جور است و جز اقتضای خدا شی همه قوانین باطل و بیپایه است ولی آنها همین بیپایه را هم شا نظام بهتری نشود تا سیر کرد محترم میباشند و لغو نمی کنند."

آیت الله خمینی در شرایطی که اغلب روحانیون با رژیم سلطنتی هنوز پایگاه طبقاتی ی، یعنی فتوای لیس را در ردیابی برای شورش رژیم سلطنتی دست نباش نه داشته نمی بیند و ترجیه نید با زنگاری مراجع و روحانیون بزرگ با رژیم حه ۱۸۶ و ۱۸۷ همین کتاب چنین مینویسد:

"اینها (روحانیون بزرگ) با این نیمه تشکیلات (رژیم) هیچگاه مخالفت نکردند و اساس حکومت را بخوانند بهم برینند و اگر کامی هم با نخب سلطنتی مخالفت کردند، مخالفت با همان شخص بوده از با آنکه بودن او را مخالف ملاح کشورش شخیص دادند و گرنه با اصل اساس سلطنت تا کنون از این طبقه مخالفی ابراز نشده بلکه بسیاری از علما بزرگ عالیمقام در تشکیلات مملکتی با سلاطین همراهی ها کردند و مانند خواجه نصیر الدین و علامه حلی و محقق شانی و شیخ بهائی و محقق داماد و مجلسی و امثال آنها و هر قدر هم دولت با سلاطین با آنها بد سلوکی کرده و به آنها فشار آوردند با زبا اصل اساس تشکیلات و حکومت مخالفی از آنها بروز نکرده، تاوار یخ همه در دست است و پشتیبانی ها شی که به مجتهدین از دولت کردند در توار یخ مذکور است اکنون شما میخواهید دولت را به آنها بدبین کنید و این نیست جز اسوئیت و فتنه - انگیزی و تفرق کلمه و ایجاد تفرق و از بین بردن وحدت که اساس حفظ کشور بر آن است..."

آیت الله خمینی در این کتاب با اینگونه نهای واهی نظیر ادراکات و ارتش و مدارس و دوره رفا اسیس شده و در واقع ریشور و آزی وابسته را ه سازی کرده و این امر مستلزم محدود کردن نفوذ نیون و کوتا کردن دست آنان از امضا رگست در ت بوده تا راحت است و می نویسد:

اکنون هم اگر مملکتی برای مملکت پیش آمد کند مجتهدین از وظیفه حمیه خود میداند که آنرا رفع کنند و با دولت در موقعی با ریک همکاری کنند از خطاهای که در این دوره های سیاه (منظور - دوره شاه است) در این مملکت شدیکی که از نه با لایر بود سلب نفوذ روحانیت بود که این از

«انتقاد از خود» رهبری فدائیان (اکثریت) آنها را بیشتر افشاء میکند

در پی آن است تا کل سازمان اکثریت را همچون حزب توده به نوکران و راکر رمنش بوسال امیرنا لیسیم شوری تبدیل نماید و برای رسیدن به این منظور می-کودتا مانع اساسی نزدیکانی سازمان خود و حشرب نود را از میان بردارد.

سازمان حریکهای فدائی خلق "نهانکا مواضع انقلابی اثر در گذشته حزب توده را خاش و ریزونیست قلمداد می نمود. ولی پس از تضعیف رهبری توسط ریزونیستها و وجود آمدن بخش اکثریت، این بخش موضع گذشته علیه حزب توده را تقلیل داده و مطرح ساخت که "حزب توده" ریزونیست است و سپس سیر وقایع تا به آنگاه پیش می رود که این رهبری در حرکت ضد انقلابی خود حزب توده را به امتنا به نیروی خدا میرساند. لیست قلمداد کرده و این نیروی مرتجع و وابسته را مستعدا و آنگاه از بهر عدم خود را در قیام نیروهای انقلاب حتی جنبش کمونیستی مسازد. (رجوع شود به کار شماره ۷۶، مقاله "حمله به دنا نرا زمانهای سیاسی را محکوم میکنیم").

این موضع ضد انقلابی که حمله به دستاوردهای جنبش خلق و جنبش انقلابی ایران نمیتوانست باشد با پاسخ قاطع نیروهای کمونیست (از جمله سازمان) از یک سو و نیز اعتراضات هواداران سازمان اکثریت از سوی دیگر مواج گردید. فرخ نگهدار و شرکا که دیدند رسوایی بسیار آورده و ختم توده های صادق خود را برافروخته اند و کوشش کردند تا مسئله مورد بحث و اعتراض را پنهان ساخته و این اعتراض را علیه مسئله دیگری غیر از مسئله "حزب توده" امیرنا لیست جلوه دهند. آنان در مقاله "عوا مغرب هستند و عوا مغربان ... " چنین نوشتند:

"ما با یاد آنجا که حمله به فدائی "حزب توده" در شرایطی اتفاق افتاده بود که ریزونیسم چپ برای پوشاندن ورشکستگی مواضع ایدئولوژیک - سیاسی خود بیشترین نیروی خود را برای مخدوش ساختن مواضع ایدئولوژیک - سیاسی ما با این جریان رفرمیستی به کار گرفته است توضیح می-میدادیم که وقتی سازمان ما خود را موظف میداند از آدابهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم دفاع کند، طبیعا دفاع از جریانات مدعی چپ، جهت ناهشی که مثل "راه کارگر"، "پیکار"، "اقلیت" و غیره از نظرها ریزونیسم چپ شناخته میشوند و چه "حزب توده" که پرچم را ریزونیسم است است، به عهد هر عنصر انقلابی و مشخما به عهد هر فرد کمونیست است. ما باید توضیح میدادیم که فدائی "راه کارگر" و "اقلیت" "پیکار" نشانه هیچگونه تائید

کسانی که به اپورتونیسم و ریزونیسم در متعلقند - فقط از ما ریزونیسم جدا نمیشوند بلکه از توده های انقلابی و مبارزان جدا میگردند. توده های انقلابی که با ایده انقلاب را یکجمله شده اند، زمانی که می-ببیند رهبرانشان پرچم سازش و تسلیم را بدست میگیرند در ابتدا باور میکنند و یا نندکی که از آن جواب میدارند - نمود، چنان خود را می-ماند، ولی کم کم متوجه میشوند که علیرغم جواب دهی آنان واقعیت چندیگری است. آنان متوجه میگردند که خواستنها و آمال انقلابی آنان با خواستها و آمال سازشکارانه رهبران منحرف نشان سازیم را رد و در اسباب است که فاطم نرس و آکا هرسس بوده های هوادار رهبری مرتد علیه گرفته و حساب خود را جدا میکنند. در اسباب که سوده های صادق و طرفدار جنبش خلق، در ابتدا با تردید ولی سپس با کام - های برع بر رهبری ریزونیسم خود بیت میکنند زیرا این مسیر که اس پشت کردن به رهبران مرتد به معنای روی آوردن به انقلاب است.

در همین هنگام رهبران ریزونیست خطراتی احساس میکنند تا این برای اینکه بطور کامل از جانب توده های طرفدار ریزونیسم به عوا مغرب و اغواگری میگردند و می-کوشند چهره رت خود را بیوشانند. آنان به توده های جسم آمده جس و اعتماد میسازند که با فاطم نرا فاطم نرا است و بی-باید متناظر را حفظ نمود. آنان می-کوشند تا یکسری کردهای پوزا نشی و مروری به آتش خشم و مغرب بینان و آنگاه رسیده آنگاه را حاشا موشا حاشا را به بردگان اسرو و همگی خود تبدیل میسازند. ریزونیسم به ساسی می-کند طی یک روند افکار مسموم سازش طبقاتی را در میان سوده ها روح داده و آسها را از مبارزه انقلابی علیه ارتجاع سلط و هر نیروی ارتجاعی دیگر منحرف سازند. آری ریزونیسم می-کوشد تا روحیه انقلابی سوده ها کشته و پس آسها را و نشه سازش خیانت - کارانه با پوزا روی بسازند.

ریزونیسم به در راه رسیدن به اهداف خود که به متکلفی بر میخورد تا این در سازش با اید انقلاب گناه بر نشا بگا میرد و شه و بطر عربان و آنگاه رکتیف ترین نیروها را مورد مذاخی خود قرار میدهد. ولی توده های که به زور و منازعه و عشق به خلق و روح مغرب به دشمنان قسم خورده انقلاب و طبعه کارگر در آنها نمرده است بر - می آشوند و این حیرشها که به عصیان انقلابی علیه رهبری مرتد و طرفداران کشیده میشوند و که در شرایط فندان آگاهی انقلابی لازم و نیز نگرد های مکارانه رهبری مرتد به عقب نشینی و خاموشی رانده میشود.

آنگاه رهبری مرتد اکثریت حریکهای فدائی با توده های هوادار آنجا می-دهد و اساسا قانومندی قوی است. اکثریت فدائی هاس از در غلتیدن به ریزونیسم از مبارزه انقلابی علیه حکومت مستمگر جمهوری اسلامی دست کشیده و تا حاشی پیش میروند که به آسانوسی فرد منفعوری چون بهشتی ارتجاعی می-شناستند. این امر سوبه خود اعتراضات بختی از توده های هوادار را برانگیخت ولی از آنجا که ریزونیسم - نسبتا در پی سازش قلمی و همه جا تبه ما انقلاب می-بانشان این حرکات نمی توانست با این پذیرد. فرخ - نگهدار و شرکا، بر اساس مثنی ریزونیستی خود طرح میثانی با حزب توده خاش را ریخت. وگا مبه گام در این راه به پیش رفت. در حقیقت این رهبری ریزونیست

مواضع انحرافی این جریان با است نه دفاع از حزب توده به مفهوم چشم پوشی از انحرافات این جریان محسوب میشود. ما بدون انجام هیچ یک از این کارها و بدون توضیح کافی در کار موصع گرفتیم و از این لحاظ انتقاد جدی بر ما وارد است... (کارشما ۷۱)

این اوج اپورتونیسم است. مسئله مورد اعتراض این است که چرا رهبری ریزونیست اکثریت، حشرب توده خاش را در صفوف جنبش فدا میرنا لیستی خلق قرار داده است. ولی رهبری برای منحرف کردن بحث مطرح میسازد که "دفاع از "راه کارگر"، "اقلیت"، "پیکار" و نیز "حزب توده" به مفهوم "چشم پوشی از انحرافات این جریان با محسوب نمیشود!

مطلب اساسی مورد تحریف این است که رهبری اپورتونیست آگاه ها به بحث اصلی را مخدوش نموده - کوشش میکند تا رایدست فرا مونی سیده و ختم توده ها را غروب شانند. این رهبری بطور قیام نه ای حزب توده مزدور و ریزونیست را در کنار نیروهای مترقی چپ قرار داده و بدین ترتیب این حزب را در صف جنبش کمونیستی ایران جای میدهد. از نظر رهبری اکثریت، حزب توده اگرچه مانند دیگر نیروها (۱۹) اپورتونیست است و دارای انحرافات می باشد، اما یک نیروی ضد امیرنا لیست بوده و در صفوف جنبش کمونیستی ایران قرار دارد (۱۹). ما له مورد اعتراض این بود که رهبری اکثریت حزب توده را فدا میرنا لیست میداند و با این موضعی ضد انقلابی است. ولی رهبری در جواب می-دهد که حزب توده فدا میرنا لیست است و فقط اشتباه در این بود که ذکر شده که دفاع از حزب توده بمعنای "چشم پوشی از انحرافات این جریان" محسوب نمیشود. این سیک کار عوا مغربانه و اپورتونیستی مشخصه همه ریزونیستهای جهان است. ریزونیستها که هیچگاه در مثنی مواضع خود خاش نیستند و شانه و دنا رتد در مقابل ترنده های آگاه ها طرح صریح مواضع خود و ختم توده ها به همین خاطر فرجه میروند.

توده های صادق طرفدار بخش اکثریت با یاد آگاه با شده که رهبری ریزونیست اکثریت از آگاه هسی حزب توده را از جنبش فدا میرنا لیستی و کمونیستی قرار میدهد. با یاد آگاه بود که سازمان ریزونیستی اکثریت با لحاظ مثنی ریزونیستی خود طرح نزدیکی با حزب خود فروخته توده را مطرح ساخته است. با یاد آگاه بود که دفاع فرخ نگهدار و شرکا از حزب توده ارتجاعی اتفاقی نبوده و این امر ریشه در ریزونیسم آنان دارد.

نه و هزار بار نه! حزب توده خاش به خلق و طبقه کارگر است و هیچگاه در صفوف خلق و انقلاب جای ندارد موضع علیه حزب توده دستاوردهای جنبش خلق و یکسری از معیارهای اصیل جنبش کمونیستی ایران است که با این معیار را آگاه ها نه مخدوش میسازند خود تا فرقی سز و ریزونیسم غوطه و رند و باید مورد افشا و طرد قرار گیرند.



ریزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

A black and white photograph showing a large crowd of people gathered outdoors. Many individuals are holding up portraits of men, likely political figures. A banner in the foreground, held by a person in a light-colored jacket, reads "شهرام را گدایی ندارم" (I don't have a beggar named Shohram). Other banners and portraits are visible in the background, suggesting a public demonstration or rally.

بیدادگری "دادگاه‌های انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است

بقیه از صفحہ ۱

دولت...

حل مسئله مسکن جلوگیری بعمل آید و مبارزه کارگران و زحمتکشان شهری بصورت مبارزه جمعی با مقامات دولتی و ثبت نام در کارگاههای جدید حکومت ("بنیاد مسکن"، "دفترخانه سازی برای مستضعفین"...) و در این بین چهار چوب باقی بماند. وعده و وعیدهای حکومت برای تامین مسکن و خوشبختی رفته رفته نسبت به هیئت حاکمه زمینه های ذهنی چنین افکتهای در مبارزه انقلابی بود.

دور بعدی شکل گیری مبارزه رفته رفته ها برای مسکن در آپارتمانهای خالی و زمین های متعلق به زمینخواران و سرمایه داران بزرگ انجام گرفت. این امر بدون شک محصول آشکار شدن پیوجی وعده های حاکمیت برای رفته رفته ها با آشکارا گری نیروهای انقلابی و تجربه مستقیم خود مردم زحمتکش بود. مبارزه برای مسکن مناسب و سلب مالکیت از سرمایه داران بزرگ از سوی کارگران و زحمتکشان شهری بدون شک یکی از ابعاد مبارزه طبقاتی را تشکیل داده و میدهد. آپارتمانهای خالی و زمینهای که ابتدا عوام مغربیه و بعداً مابین مسکن تا زمستان را داده بود پیش از این دیگر نمی توانست به این وعده های پیوجی ادامه دهد و حتی خود

ناچار به اعتراض گردید که بنیاد مسکن قادر نیست کمکی به حل مسئله مسکن نماید. این زمینه های عینی و ذهنی سبب روی آوردن رفته رفته ها به عمل مستقیم و انقلابی گردید و در طول چند ماهه اخیر ۵۸ اقدامات انقلابی فراوانی از سوی رفته رفته ها انجام گردید. آپارتمانهای خالی از سوی زحمتکشان و دانشجویان معادله میشدند. زمین های محدوده شهری تصرف شده و عملیات خانه سازی از طرف خود مردم آغاز گردید. این مبارزات ابعاد وسیعتری می یافت. دستور سرکوبی زحمتکشان از همان آغاز توسط ارتجاع داده شده بود و با سرمایه داران سرمایه به هم جا بر روی مردم شلیک میکردند و آنها را از آپارتمانهای معادله شده بیرون می راندند و حتی خانه های ساخته شده را نظیر دوران شاه بر سر زحمتکشان خراب میکردند. مدتی نگذشته بود که "شورای انقلاب" به این عملیات ضد خلقی با سازمان جنبه فائونی داده و فائونی را تصویب نمود که بر اساس آن اگر فردی با افرادی بدون مجوز قانون به ملک دیگری اعمار خانه و آپارتمان، ملک مزروعی، دامداری و غیره تجاوز کند به شش سال زندان محکوم میشود و اگر آنها مسلح باشند مجازات اعدام در کمین شان می باشد.

مبارزه انقلابی رفته رفته ها در ماه های پس از آغاز سال جدید نسبت به سابق افت فراوانی کرد اقدامات سرکوبگرانه هیئت حاکمه و فتوای آیت الله خمینی بویژه در آغاز سال جدید، عدم شکل و سازماندهی رفته رفته ها، فقدان رهبری و خود بخودی بودن، ترکیب طبقاتی ناهمگون رفته رفته ها و خواهان مسکن (بویژه در مورد خرد بورژوازی متوسط و فقیر که سرعت فریب حاکمیت را می خورد) از عوامل چنین افکتهای بود. ولی بدون شک این مبارزه همچون آتشی ز شرف کسترش پهنان است و با زحمات و جگرگیری خواهد کرد چرا که زمینه های عینی آن نه تنها وجود دارد بلکه این زمینه ها به علت پائین آمدن قدرت خرید زحمتکشان و معادله قیمت خانه و زمین و... تشدید شده است.

پس از گذشت ۱۸ ماه از استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی، هیئت حاکمه ایران چه اقداماتی در مسکن انجام داده است؟ بررسی اقداماتی که دولت در این مدت انجام داده و میدهندشان میدهد که این اقدامات سیاسی بورژوازی در مورد مسکن است و تفاوت چندانی با "راه حل" هائی که در دوران رژیم شاه اجرا میشدند دارد. به لحاظ سیاسی گفتیم که حکومت چگونه عمل مستقیم زحمتکشان را در انجام تصفیه حساب انقلابی با سرمایه داران بزرگ تخطئه کرده و سرکوب آشکار و علنی را در دستور کار خود قرار داده اما به لحاظ اقتصادی در زیرخواهیم دید که چگونه با اقدامات دولت مسئله مسکن حادث گردیده است.

- مبارزه برای مسکن مناسب و سلب مالکیت از سرمایه داران بزرگ از سوی کارگران و زحمتکشان شهری بدون شک یکی از ابعاد مبارزه طبقاتی را تشکیل داده و میدهد.

افزایش قیمت مسکن و سیاست اعتباری دولت

پس از قیام و به علت شرایط متحول جامعه معاملات مسکن و ساختمان سازی هم از سوی زحمتکشان و هم از سوی سرمایه داران نسبت به سالهای قبل کاهش چشمگیری کرده و به نظر که قبلاً گفتیم خوشبختی و مصیبت انتظار رفته رفته ها در این مورد متوجه هیئت حاکمه بود. سرمایه داران و زمینخواران نیز تا مدتی جرات یکبار انداختن سرمایه در بخش ساختمان را نداشتند تا اینکه دولت در زمستان ۵۸ به کمک آنها امتداد این بخش را "فعال" نمایند. یکی از اقدامات دولتی این موضوع را چنین تشریح میکند:

"همانطور که همه میدانند قیمت مسکن به علت انقلاب به شدت پائین آمد و بعد از مدتی دولتی با فکر افتاد که این بخش را راه بیندازد و به بانک ها از جمله بانک ملی دستور داده شد که تمهیدی در این زمینه اعتبار نسبت به مسکن اختصاص داده شود تا بتوان این بخش را از رکود خارج کرد و اشتغال و حرکتی ایجاد نمود که اتفاقاً خیلی مفید بود ولی متأسفانه سرعت آن خیلی زیاد نبود یعنی با اختتام اعتبارات زیاد در حدود



این نتیجه کوشش دولت در فعال کردن بخش ساختمان بود که الحق نتیجه هم داشت! از محلات بسیار خوبی می توان ما هیئت سیاست بورژوازی را دریافت سرمایه گذاری سرمایه داران در مسکن به خاطر آنکه دار کردن مردم بلکه در سوجوشی و کسب سود بیشتر است. اگر بتوان از طریق بالا بردن نرخ مسکن با پرداخت وام مسکن این سود را کسب نمود بورژوازی به آن دست می زند و این امر در دوران رژیم شاه نیز سابقه داشته است و در اجرای این عمل دهها بانک و صندوق و... ایجاد شده بود که حالا با همان سیستم عملکرد در یکدیگر ادغام شده و بانک مسکن را تشکیل میدهند. اگر کسب سود در ساختمان آپارتمان های سربلک کشیده، ساختمانها و تاسیسات عظیم برای اقشار مرفه، انحصارات امیربالیستی، خصوصی و دولتی باشد از همه تا حدی که بورژوازی در این راه فعالیت داشته سرمایه گذاری کرده است بهر حال بورژوازی برای جذب سود و ارزش اضافی دست به هر اقدام و عملی می زند. پس می بینیم که هیچگاه مسئله مسکن برای زحمتکشان نبوده و در تحت حاکمیت سرمایه به حل نخواهد شد.

با این اقدامات دولت ملیا رفته رفته نومان به حیب سرمایه داران بزرگ و متوسط که مالکیت بخش مهمی از ساختمانها و زمینها را دارند در تحت طبق اظهارات پراکنده روزنامه ها و براساس گفته های نگاههای معاملاتی قیمت مسکن در عرض ۴ ماه بین ۳۰ تا ۵۰ درصد بالا رفته است (کپهان ۵۹/۲/۲۳). قیمت مصالح ساختمانی نیز همین سیر صعودی را در پی داشته است:

قیمت آجر فشاری نسبت به دومه قبل ۵۰ درصد ترقی کرد نرخ آجر فشاری که تا دومه قبل هزاری ۳۵۰ تا ۴۰۰ تومان بود در حال حاضر هزاری ۷۰۰ تا ۸۰۰ تومان شده است. آجر سفال تا چند هفته قبل هزاری ۲۷۰ تا ۲۸۰ تومان به ۳۰۰ تا ۳۲۰ تومان رسیده و سیمان که قبلاً کیسه ای ۱۶۰ ریال بوده ۲۰۰ تا ۲۵۰ ریال رسیده است.

(کپهان ۵۹/۱/۷)

داشتن مسکن حق مسلم زحمتکشان است

جالب اینجاست که تاکنون با هر کدام از مقامات دولتی که در این زمینه مباحثه به عمل آمده است آنها از این موضوع اطلاع داشته اند و حتی اظهارات شفاهی کرده اند. اینجاست که با بستی به سیاست عملی هر جریانی توجه داشت تا حرف وها بهوی آنها هر کدام از سیاست های عملی دولت را که در نظر می گیریم متوجه میشویم که ما هیت این سیاست ها چیست و در خدمت چه طبقه ای است.

مشاهده های بسیاری از عملکردهای دیگر نشان میدهد که هرج و مرج دولت در امر مسکن است. دولت زمانی و ما برای ساختمانهای کمتر از ۱۴۰ متر مربع میدهد، زمانی آنرا تا ۱۸۰ متر مربع هم افزایش میدهد، زمانی آنرا قطع میکند، موقعی فقط به کارمندان دولت وام میدهد، بعد با زیست منطقه ای پیش گرفته میشود. مثلا و ما های تهران را قطع میکنند و فقط به شهرستانی ها و ما میدهند، گاهی و ما به ما خندان های نیمه تمام میدهند، گاهی نیز و ما بطور غیر مستقیم داده می شود و آنها اقدام و عمل دیگر هفته به هفته و روز بروز تغییر میکنند و همانطور که گفتیم بعد از هر تغییر سیاستی همان مسئولین دولتی از "تجربه تلخ" صحبت میکنند و اقدام قبلی را "تادست" از سیاسی می کنند. واقعیت این است که علیرغم این بظا هر "تدائیم کاری" روز و از بی به منافع طبقاتی خود آگاه است و آگاهانه عمل میکنند و هر اقدامی از این قبیل منافع سرشاری را عاید طبقه سرمایه داری کند.

بطور کلی تخصیص دادن اعتبار برای پرداخت وام از طرف دولت به سرمایه داران بزرگ و متوسط که شرح دادیم (۱) در خدمت آن بخش از خرده بورژوازی مرفه که از این و ما استفاده میکنند نیز میباشد. زیرا که کسانی که و ما دریافت میکنند بایستی خود بخشی از قیمت خانه را در اختیار داشته باشند تا بتوانند و ما دریافت کنند. لیکن اشارات فوری این اقدامات فقط بر روی بخشی از خانه ها، آپارتمانها نیست بلکه بر روی کلیه ساختمانها، خانه ها و زمین بویژه برای زمینکشان تا تشریمی گذارد و به همین نحو بر روی اجاره خانه منتقل میشود.

بورژوازی چگونه عوام فریبانه "خانه سازی دولتی" را مطرح میکند

"وقتی چنین با شما امکانا تا زمان را در اختیار منطقی میگذارد که در گذشته کمتر به آنها توجه شده است ولی در تهران با ایجاد شهرک ها و نام ساختمانهای نیمه تمام و همچنین ایجاد مجتمع های کارگری می توانیم جواب بدهی ممکنها را

(۱) - یک مورد دیگر: "عبدالله ابتهاج مدیر عامل بانک مسکن اعلام کرد که به ما حیان ساختمان های نیمه تمام و ما مسکن داده میشود این و ما برای هر واحد مسکونی ۳۰۰ هزار تومان است. در ضمن این و ما برای کسانی است که از ۲۰۰ واحد را در حال تکمیل بدن دارند و کار تمام ساختمانهای متعلق به سازمان رزم سابق را خود بعهده میگیرند." (کیهان ۵۹/۴/۱)

بدیهیم از جمله کارهایی که مسکن وزارت مسکن توانست در اختیار بگیرد صرف قسمتی از بودجه است که از این رهگذر ما توانسته ایم استفاده کنیم و بر ما به سخت ۲۳ هزار خانه مسکونی ارزان قیمت در ۲۳ استان کشور را بدست بگیریم که در حال حاضر دستور ساخت ۱۶ هزار واحد داده شده است " (بخنان بخوی وزیر مسکن و شهر سازی، اطلاعات ۱۴ تیر تا کیذاست)

با سخگویی به بنیاد افراد ۴۰۰۰۰ واحد مسکونی در سال ساخته شود. در شهر تهران حدود یک میلیون واحد مسکونی وجود دارد اگر عمر هر ساختمان را ۵۰ سال حساب کنیم در هر سال بایستی ۲۰۰۰۰ واحد را احداث کنیم یعنی ۲۰۰۰۰ واحد باید ساخته شود. به جمعیت تهران هر ساله بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر را بر اثر بی مسکنی مهاجرت یافته میشود که برای تامین مسکن این افراد حداقل ۷۵۰۰۰ واحد مسکونی جدید لازم است.

● طبق اظهارات پراکنده روزنامه ها و براساس گفته بنگاه های معاملاتی قیمت مسکن در عرض ۴ ماه بین ۳۰ تا ۵۰ درصد بالا رفته است.

از بخنان بالا چنین بر می آید که در سال جاری دولت در نظر دارد ۲۳ هزار واحد مسکونی در ۲۳ استان بسازد که بنا بر این بطور متوسط برای هر استان ۱۰۰۰ واحد مسکونی اختصاص داده شده است! بخوی در یک مباحثه نیز اعلام کرده بود که دولت با امکاناتی که در دست دارد فقط برای ۷٪ متقاضیان میتواند خانه بسازد. (کیهان ۵۹/۱/۲۴) برای اینک خوانندگان کاملاً به مسئله فوق توجه داشته باشند لازم به تذکری - دانسیم که طبق اظهارات همین فرد در سال ۱۳۵۸:

"از وزیر مسکن سؤال شد که تاکنون چه تعداد خانه خالی در اختیار طبقه کم درآمدی خانه گذاشته شده است. پاسخ داده شد تا کنون متجاوزاً ۳۰۰ دستگاه واحد مسکونی مورد استفاده بی خانه ها قرار گرفته است این و ما گذاری در شرایطی بود که مردم در شرایط بسیار سختی در بدترین محله ها سکونت داشتند و بناچار روبه فوریت خانه های خالی را در اختیارشان گذاشتیم" (کیهان ۴ اسفند ۵۸) از سوی بنیاد مسکن نیز جمعا ۲۵۳۴ واحد مسکونی در سال ۱۳۵۸ ساخته شد و بنا به گفته خودشان در اختیار افراد "بدون مسکن" گذاشته شد (کیهان ۵۹/۲/۸) اینها مجموعاً اقدامات دولت را در سال گذشته و سال جاری نشان میدهد. اما برای اینکه بدانیم طبق اظهارات خود مقامات دولتی چه تعداد خانه ها لایه بایستی برای رفع تقاضا ساخته شود به ما رد بیل توجه کنید:

"جمعیت تهران حدود ۵ میلیون نفر است و در آنسوا تعداد هر ساله ۱۵۰۰۰۰ نفر اضافه خواهد شد که اگر ۴ نفر یک واحد مسکونی بخواهد بایستی برای

با بررسی عوامل فوق اگر بخواهیم در شهری مانند تهران که جمعیتی حدود ۵ میلیون نفر دارد مشکل مسکن را حل کنیم لازم است که بطور مداوم حداقل هر سال ۱۳۵۰۰۰ واحد مسکونی ایجاد کرد.

در کل کشور اگر افراد شهرتشن ۱۵ میلیون نفر باشند تعداد مسکن مورد نیاز برای افرادی که بعلل ذکر شده به جمعیت شهرها اضافه میشوند بالغ بر ۴۰۰۰۰۰ واحد مسکونی در سال خواهد بود و اگر قیمت هر واحد مسکونی را ۱۰۰۰۰۰ تومان حساب کنیم متوجه میشویم سالانه حداقل ۴۰۰ میلیارد تومان نیاز داریم." (کیهان ۵۹/۲/۱۰) سالانه برای کل کشور ۴۰۰۰۰۰ واحد مسکونی کجا و ۲۳۰۰۰ واحدی که دولت می سازد کجا؟ معنی حقیقی این اقدامات این است که هیئت حاکمه همواره میخواهد تنگنای مسکن وجود داشته و عرضه آن محدود باشد تا بتواند به تکیه سیاست های مختلف خود قیمت ها را بالا بیاورد و از این طریق سودش را عاید طبقه سرمایه دار سازد.

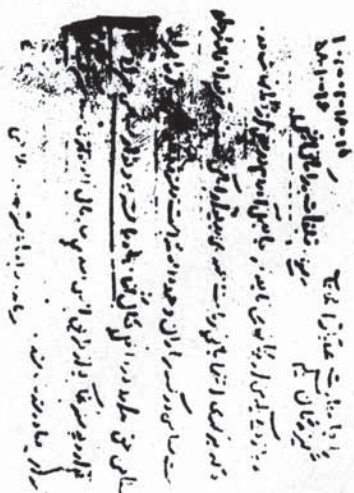
دولت از سرمایه داران برای "حل" مسئله مسکن کمک میطلبد

اعتقاد حکومت فعلی بر این است که بایستی از بخش خصوصی و بویژه با زیر فروش ها برای "حل" مسئله مسکن کمک گرفت نمونه ای از کمک اعتباری دولت به با زیر فروش ها را قبلاً اشاره کردیم.

همان برویه ای که منجر به دولتی کردن بانکها و بخشی از صنایع در گذشته گردیده بود (ورشکست شدن ورکود که دولت را ناچار به در دست گرفتن این فعالیت ها با حفظ منافع سرمایه داران بزرگ کرد) اینبار در مورد مسئله مسکن بوقوع می پیوست. از بهمن ماه ۱۳۵۸ دولت "دفتر طرح خرید و واگذاری خانه های خالی را بوجود آورد. این امر در واقع همان کوشش هایی بود که دولت با حفظ منافع مالکین ساختمانها و بسا از - بفروش های خواست بخش مسکن را "فعال" نماید. مصطفی رفیع مسئول این دفتر و آیت الله خسرو شاهی طی مباحثه ها و "هندار" های مکرر به مالکین آپارتمان ها خالی اعلام کردند که آپارتمان های خود را با قیمت "عادلانه" در اختیار این دفتر قرار دهند تا

فنان، مسکن، آزادی

سند رسوائی ارتجاع



ارتجاع دشمن آگاه می‌تواند دست و این دشمنی را در تمام می‌عرصه‌ها اعمال میکند. در دانشگاه‌ها، در مدارس، در ارتش و در همه جا برای تثبیت حاکمیت ضد مردمی خود با هر آنچه که نشانی از علم و آگاهی انسانها داشته باشد، کینه‌توزانه به مبارزه می‌خیزد. رژیم حاکم و حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که پرچم‌دار جهل و عقب ماندگی در جامعه ما است، چه از طریق چماق‌دار - انش در خیابانها و چه از طریق انجمنهای اسلامی اش در دانشگاههای دولتی با هرگونه اندیشه مترقی و انقلابی ویرانگر است آنچه که در مغز متحجر سرداران نشان تراوش میکند، دشمنی میورزند.

سندی که در اینجا ملاحظه میکنید نمونه‌ای است از این دشمنی کینه‌توزانه و در عین حال بسیار تکرار و حشمتی است که ارتجاع از آگاهی نظامیان دارد. آنها که به دروغ خود را مخالف اطاعت کورکورانه در ارتش قلمداد میکنند، اکنون ما یک مردم‌فریبی را از چهره خود کنار زده و آشکارا با بودن حتی یک کتاب یا نشریه در با دکانها مخالفت میکنند. طبق این سند رسوائی ارتشیان تنها مجاز زنده‌آوردن آنچه که فرماندهان آمریکایی و حزب جمهوری اسلامی از طریق انجمن اسلامی و سازمان تفتیش عقایدش بخورده‌اند می‌دهند.

نسبت به ارجاع دادن آنها اقدام شود، اما تمام "هتدار" های آنها تو خالی بوده است چرا که اولاً این دفتر کارش را شروع کرده و خانه‌های خالی را می‌خرد و به ما معرفی می‌کند و ما پرداختها را انجام می‌دهیم و امیدواریم این کار را رعایت تمام حقوق افراد باشد و حتی المقدور به زور نباشد. اگر زور در کار باشد باعث میشود که بخش خصوصی که نقش بزرگی در تامین معیشت در این مملکت دارد بطور کل ممکن است از صحنه خارج شود و این خود مشکل و خطر بزرگی است و دولت، به تنهایی نمیتواند معیشت را تهیه کند. (سخنان ابتهاج، اطلاعات ۱۴ تیر) پس حقوق و منافع سرمایه‌داران و بهای فروشها محفوظ است و ثانیاً "بنیاد دمسک" بسیار با لکین این مجتمع‌ها محبت می‌کند و در صورت تمایل آنها اقدام به خریداری ساختمانهای نیمه‌تمام خواهد کرد اگر مالکیت را به فروش نداشت بر اساس قرارداد اعتباری برای تکمیل مجتمع در اختیارش قرار میدهد اما کار را به پایان برساند. (سخنان خسرو - شاهی، اطلاعات ۱۱ تیر ۵۹) از طرف دولت به بایز - بفروشها کمک میشود تا فعالیت خود را ادامه دهند (۲). و ثانیاً نتیجه این شیوه برخورد به مالکین ساختمانهای خالی (که بقول مصطفی رفیع در تهران بیش از ۲۰۰ "تئودال" خانه‌ها را وجود دارد) از پیش معلوم است که تا چه حد این "هتدار" ها تکیه است، به عنوان مثال بقول مسئولین امور در تهران بیش از ۱۰۰ هزار آپارتمان خالی وجود دارد. در پی "هتدار" های مکرر بنیاد دمسک وزارت معین و وقت دادنهای کافی به مالکین آپارتمانها برای پذیرش طرح دولت در ۱۳ اسفند اعلام شد: با پایان یافتن مهلت مالکان مهدها خانه خالی امروز تصرف شد. (اطلاعات ۱۳ اسفند ۵۸) در ۱۹ اسفند:

(۲) - و با در ۱۶ دی ماه ۵۹ طرح ۱۲ ماده‌ای وزارت معین برای استفاده از خانه‌های خالی چنین میگوید: ماده ۷ - برای مالکیتی که واحدهای مسکونی خود را طبق موازین این طرح در اختیار بنیاد گذاشته‌اند و تصمیم به ادامه فعالیت‌های ساختمانی داشته‌اند یا شند زمین لازم به آنها داده خواهد شد مشروط به اینکه طرح کامل خود را به تائید شهرداری رسانیده باشند و بنیاد تصمیم خرید طرح را با سود معقول مشروط به اینکه طبق ضوابط بنیاد ساخته شود و خود را در نمود و کمک به های لازم را از نظر تامین وام سازندگی و غیره خواهد نمود.

ماده ۸ - پس از تعیین قیمت واحد مسکونی، بنیاد کلیه بهدکاریهای مالک مربوط به آن خانه را تا معادل قیمت واحد مسکونی پرداخت خواهد کرد. (اطلاعات ۱۶ دی ۵۸) "اما مکانات لازم را در اختیار آنها می‌دهد که میخواهند به ساختن و یا بهسازیهای خاص آنها که همچنین مورد نظر است قرار می‌دهیم." (سخنان وزیر معین، اطلاعات ۳ دی ۵۸) و نیز: "مالکیتی که به خواهند برای مدت معین واحد مسکونی خود را در اجاره واگذار نموده و خواهان تضمین پرداخت منظم اجاره بها و تخلیه در تاریخ معین باشند می‌توانند خانه‌ها را به ارتش خود را بصورت واکالت یا طبق قرارداد در اختیار بنیاد قرار دهند." (مصطفی رفیع، اطلاعات ۱۲ اسفند)

رفقا!

- با تلاش هر چه بیشتر پیکار
- رابخش کنید.
- با هر امکانی که دارید تمام
- یابری مقالات و مطالب
- پیکار را تکثیر و پخش
- نمایید.



از دردهای بیشمار زخمی‌شدگان است حل نماید. همچنین نشان دادیم که این دولت نمی‌خواهد مسئله معین را حل نماید زیرا این امر به معنای این است که سرمایه داران از سودآوری و کسب ارزش اضافی در بخش معین چشم پوشی کنند و این رشته سودآور را کنار بگذارند که این امر محالی است.

حل ریشه‌ای معین که بحران آن عبارت است از مالکیت سرمایه‌داری بر ساختمانها، زمین... می‌باشد در پی یک انقلاب اجتماعی که برولتا را در اسارت است انجام می‌گیرد. برولتا را به مسئله معین به عنوان یکی از نیازهای مادی طبقات محروم می‌نگرد و بنیاد وسیله سودآوری که تشرک سرمایه‌داران است، به بهره‌براری جمهوری دموکراتیک خلق و اعمال رهبری طبقه کارگر، به تدریج و در پی گذار و سوسیالیسم در هر گام اقدامات اساسی و گامهای اساسی در تبدیل ساختمانها و خانه‌ها از وسیله کالایی و خرید و فروش به یک وسیله رفاهی و مورد نیاز زخمی‌شدگان انجام خواهد گرفت. بدیهی است که اولین گامها عبارت از ملی کردن زمین و خارج کردن آن از تولید کالایی و معادله آپارتمانها و ساختمانهای مورد نیاز زخمی‌شدگان است.

مهدها خانه خالی دیگر امروز توسط گروه فریبست تصرف شد. (اطلاعات ۱۹ اسفند ۵۸) در ۲۲ اسفند اعلام شد: خرید و فروش سیم خار و آپارتمان در شمال شهر متوقف شد. این واحدهای مسکونی از سوی دفتر طرح و واگذاری خانه‌های خالی توقیف شده است. (اطلاعات ۲۲ اسفند ۵۸)

و دیگر خبری در این زمینه منتشر نشد! ۲۰ - ۱۳۰ هزار آپارتمان خالی کجا و تصرف چند مهدها از آنها کجا؟ و بدین طریق اقدامات دولت در زمینه معین و بهایی "تصرف ساختمانهای مالکین و انتشار رلیست آنها" به طرح دیگری کشیده شد و آن دولتی کردن معاملات زمین و ساختمان و فعالیت مستقل بنگاههای معاملاتی بود که این اقدام هم اکنون انجام شده است و با باز کردن دفاتر وزارت معین در مناطق مختلف، این دفاتر کار بنگاههای معاملاتی را انجام میدهند.

بدین طریق در این مقاله نشان دادیم که دولت بورژوازی حاکم نمی‌تواند مسئله معین را که یکی

هنرمقاومت هنرپرولتری



پیکارگران غرقه در خون

برای رفقای شهید مسعود صالحی راد
وطیب نجم الدینی

از رفیق م. ۹۰ - کرج

ستارگان پرفروغ
آسمان زحمتکشان را
غرق روشنی سرخ میکنند
وریشند میزنند
بردست و پا زدن ارتجاع

★
جلادان خدخلق!
با سدا را ن سرما به!
پیکارگران را از مرگ چه پاک؟

★
پیکارگران غرقه در خون!
رفقای دلیر!
فریاد سرخشان، در گوش زحمتکشان

می پیچد
موج میزند
ورسا ترنشین می اندازد.
فریاد سرخشان

از قله های پیروزی خبر میدهد،
نویسمید همدردی را فروزان را

جمهوری دمکراتیک خلق را...
۵۹/۶/۱

سرودهایی برای "سمکو" (★)

از رفیق سهند
تادیوارها
بروشا به نیندا زند
نگاه کن
روز را

که می آید.

★
جان بگیر و بزرگ شو!
تفنگ سنگین است
شب تا تارها اما
هزار بار رستگین تر.

★
مثل رودپاش سمکو!
سرودی باش!
جاری شو بردها ن
خلق را برسان!

۵۹/۴/۳۰

که پیش از این
بسیار
در پهنه تنبیر
زندگی را
سروده اند.

★
آسمان را نگاه کن!
و خشم خلق ات را
- هر بار که ستاره ای سوخت -
تفنگ به چهره شب
تا افتاب
زودتر
برسد.

★
بلند باش سمکو!
مثل پروبلند باش

قرص نانی و تنگه ای پنبیر
ود تنبای کوچکی که با تودا شتم
اینهمه را
در دستمالی پیچیده ام
و بر لوله تفنگم آویزان کرده ام.

شلیکها بهم
از فرا زخا طره نوست
سمکو!

برای نوست!

★
بزرگ باش!
مثل کوههای کردستان
که بر من
آغوش داده اند
مثل یار نام
(۳) - سمکو، نام فرزندی که از پیش مرگ است.

بقیه از صفحه ۱۱

سیاسی - اقتصادی دچار شده است، نکاتی در بین این قشر است، مدت زمان کوتاهی این قشر از مجاهدین خلق پشتیبانی محدودی نمایی و دعوت صریح پیروشی از آن در همین رابطه دستگیروندانی می - گردند عینا صریح ما تندی نیز در روابط محلی و فعلی آنها می آید از آن نظیر تکثیر اعلامیه ها و کتابهای آیت الله خمینی و غیره دستگیر میشوند. اما بطور عمده و اساسا آنچه هست با مبارزه با رزها کننده کارگران است که بدلیل ضعف شکل و عدم رهبری انقلابی، سرپا و تدبیرا سرکوب میشود و بصورت مبارزه گروهی روشتفکری است که با نفی رفرمیسم به مبارزه مسلحانه چریکی روی آورده اند چه با گرایش مارکسیستی یا گرایش رادیکال مذهبی (مثل مجاهدین) و این وضع تا حدود سال ۵۶ که جنبش توده ای در مبارزات "خارج محدود" شروع شده بود، ادامه دارد. آیت الله خمینی از سال ۴۳ تا ۵۷ در عراق بسر برد و تنها از او اخلال سال ۵۷ تحریک قابل توجهی در مبارزه از خود نشان میداد و در گزند مدت قریب ۱۳ - ۱۴ سال بهمان دلایلی که اشاره کردم، مبارزه آیت الله با رژیم شاه نیز در حد اعلامیه ای هر چند ماهانه بمناسبتی خاص تجاوز نمیکرد. در اینجا ضروری است به موقع اودر مخالفت با سلطنت و استبداد شاه که طی آن سالها ی سیاه مترقیانه بوده و با طبع کمونیستها از آن حمایت میکردند نیز اشاره کنیم.

این سوندناتی که در این فرمت کوتاه و در معرفی کتاب کشف الاسرار و روش آیت الله خمینی و مطالبی در حول و حوش آن درجواب شما میتوانستم بگویم. ادا معداد.

در مورد شعار نویسی

قابل توجه رفقای هوادار سازمان

شعارها شای که یک سازمان سیاسی انقلابی در رابطه با مسائل سیاسی جامعه و خواسته های توده ها و غیره معین میکند، منطبق با تحلیلی است که آن سازمان از مسائل دارد. بنا بر این هنگام تبلیغ این شعارها توسط رفقا و هواداران شعارها باید به همان صورتی که سازمان اعلام کرده است تبلیغ گردد.

با این توضیح نظرفرقا را به دو نکته ذرا بدیهه شعار نویسی در مبارزات معین نموده ای جلب میکنیم:

۱- اخبار دیده شده است که برخی از شعارهای سازمانی بصورت ناقص بردرود و یا نوشته شده است بطور مثال شعار: "رجائی عامل حزب ویرا در لیبرالها" است "که در پیکار تبلیغ میشود، بر روی دیوار بصورت "رجائی برادر لیبرالها" نوشته شده است که کاملاً ناقص می باشد.

یادداشت

ادامه بحث مربوط به شعار دوره انقلاب مشروطیت که دو قسمت آن در شعارهای گذشته آمد، به درصفاست پیکار بلکه بشکل دیگری در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. بدینوسیله از رفقای که این بحث خوانندگی را دنبال میکنند بپوش می طلیم.



۲- برخی از شعارها شای که در کوچ و خیابان و اما فضای سازمان نوشته میشوند نیز با شعار سازمانی نیست بلکه حداکثر شعار خاص یک حوزه یا سازمان وابسته است. بنا بر این تبلیغ آن به اسم سازمان صرف نظر از درستی یا نادرستی شعار غیر اصولی می باشد. بنابراین از کلیه رفقای که نکات فوق را رعایت نکرده اند که به تبلیغ شعارهای سازمان مسئولانم برخوردارند. شعارهای سازمان را با شعارهای است که در پاشین صفحات پیکار می آید، و تنها این شعارها است که می توان آنها را سازمان تبلیغ گردد.

بقیه از صفحه ۲۴

تفتیش...
در پاسخ به این سوالات با بدقت اگر با واک محمدرضا شای توانست با تفتیش عقاید و سرکوب افکار انقلابی از سقوط رژیم پهلوی و رشد انقلاب جلوگیری نماید، رژیم جمهوری اسلامی نیز می تواند (!)

★ ★ ★

«کودتای امپریالیستی در ترکیه»

های مبارزاتی و فعالیت گروههای آنا رشتیسی علیه گروههای فاشیست در دوره اخیر نزدیک به ده هزار نفر کشته شده اند. جنبش انقلابی در اثرات خرافات رویزی-بونیستی و آنا رشتیسی به حلقه ای بسته گرفتار آمده است که راه چاره انقلابی و مارکسیستی می طلبد.

۲- وجودنا رفاییتی گسترده در میان مردم، عدم شایسته گرفتن بیشتر مبارزات خودبخودی و بحران شدید اقتصادی و بشت زبشت بحران سیاسی در هایت حاکمه را تشدید نمود. نا توانی جناح اجوبیت در تثبیت اوضاع کشور منجر به شکست او در رای گیری پارلمانی و پیروزی جناح سلیمان دمیرل در مهرماه گذشته گردید. اما حزب مترجم دمیرل نیز نتوانست بحران موجود را تخفیف دهد. در زمان نخست وزیری دمیرل درگیریهایی جناحهای مختلف حکومتی تشدید شد و این امر منجر به فلج شدن دولت گردید. دولت پارلمانی بورژوازی در ماندگی کامل خود را آشکارا نموده.

۳- مسائل فوق و بعلاوه ضرورت هماهنگی بیشتر نیروهای ارتش ترکیه با نیروهای پیمان تجار و کارخانه ها تا توانایی لایم خودخواه آمریکا و ژنرالهای سرسپرده ترکیه را به سمت آلترنا تیک کودتای نظامی متماثل ساخت. هماکنون کمپد نیم امپریالیسم آمریکا در ترکیه ۲۰ سالگی به مرتاب موشک دار دکدها بین پایگاهها در خدمت سرکوب انقلاب و جنبشهای انقلابی در منطقه و نیز در جهت رقابت با سوسیال امپریالیسم شوروی می باشد. بعلاوه ترکیه عضو پیمان نا توی بوده و نقش مهمی در زنجیره جناحی آمریکای متوات اندیازی کند.

اخیرا همزمان با مانور نیروهای غنوبی پیمان امپریالیستی ورشو، نیروهای غنوبی پیمان امپریالیستی نا تونیز به ما نوردست زده و این مانور از جمله در دریا می دینترانه و دریای سیاه (در سواحل ترکیه) صورت میگردد. در همین شرایط درست یک روز پس از آغاز مانور نیروهای نظامی نا توی کودتای ترکیه به وقوع می پیوندد. در واقع هدف این کودتا از یکسو مقابله کردن با بحران جامعه و از سوی دیگر ایجاد هماهنگی بیشتر نیروهای نظامی ترکیه با نیروهای نا توی می باشد. این کودتای فاشیستی اجازه میدهد تا در کنار سرکوب بیشتر مبارزات زحمتکشان و خلقها، ترکیه نقش فعالی در کنار امپریالیسم آمریکا در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی ایفا نماید. تبدیل ترکیه به پایگاه امنی برای ضد انقلابیون آمریکایی امثال بختیار وایسی نیز میتواند یکی دیگر از هدفهای کودتای ترکیه باشد. که نیروهای انقلابی و خلق ما با بیستی نسبت به آن هوشیاری کامل داشته باشند.

★ ★ ★

خلق قهرمان شیلی را به انحراف کشتنیده و به زعم خود "پینوشه دیکتاتور" را بطریق ممالعت آمیز! کنار بگذارد. اما باید گفت که خلق قهرمان شیلی با توجه به آنچه که در زمان ماری آلنده آزموده است و با توسل به خشم انقلابی خود و در حین حاکمیت ساط رژیم فاشیستی و حلقه یگوش امپریالیسم در کشور خود را برخا هد چیدند و در این راه سرخ بدون اتکا به لیبرالها، رویزونیست ها و مترجمین تنها به راه استوار خود و به پشتیبانی بیدریغ خلقهای انقلابی جهان تکیه خواهد کرد.

پرشوان با دیپکار و خروشان خلقها

پنجشنبه شب (۲۰ شهریور) ژنرالهای آمریکایی ترکیه دست به یک کودتا زدند. این کودتا برپا به همکاری فرماندهان نیروهای زمینی، دریایی، هوایی و ژاندارمری تحت رهبری رئیس ستاد مشترک ترکیه ژنرال "کنمان" اورن صورت گرفت. ژنرال "اورن" ژنرال مزدور چپ راست راهی است که دستور امپریالیسم آمریکا در جنگ کره شرکت نمود. کودتا چنان پس از وقوع کودتا همه سازمانهای انقلابی و احزاب رویز - بونیست و لیبرال و برخی از سیدیکاهای موجود را ممنوع اعلام کرده و حتی نمایندگان احزاب بورژوازی کمپرادور و فئودالها را نیز دستگیر نمودند. در این ارتباط سلیمان دمیرل رهبر "حزب عدالت" (نماینده سرمایه داران کمپرادور و فئودالها) اجوبیت رهبر "حزب جمهوریخواه خلق" (نماینده سرمایه داران "لیبرال") نجم الدینی ارکان، رهبر "حزب اسلامی رستگاری ملی" (نماینده فئودالها) و ایستبه امیر - با لایم) ... نیز دستگیر شده اند.

چرا امپریالیسم آمریکا دست به کودتا میزند؟ برای توضیح این مسئله باید به چند مسئله توجه نمود و زمینه های انجام کودتا را مشخص ساخت:

۱- از لحاظ اقتصادی ترکیه وابسته به امپریالیسم مخصوص امپریالیسم آمریکا می باشد و در حال حاضر اقتصاد این کشور در بحران شدیدی قرار دارد. در ترکیه از هر ۱۰۰ نفر ۲۰ نفر بیکار و نرخ تورم به حدود ۱۳۰ درصد بالغ میگردد. اوضاع کشاورزی ترکیه با مان است و از لحاظ تامین مواد خوراکی مردم این کشور کاملاً در مضیقه می باشد. در حال حاضر ترکیه ۲۶ میلیون دلار بدهی به خارجی بدهکار است و هر ساله بودجه هنگفتی جهت تامین منافع امپریالیسم آمریکا اسلحه میخرد. گذشته از آن بودجه نظامی در سال جاری به حدود ۵۰۰ میلیون دلار و شصت میلیون دلار بالغ شده است. بدین ترتیب حاکمیت طبقات مترجم و وابستگی به امپریالیسم رستگاری را برداشتن طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ترکیه تحمیل کرده است. این امر نا رفاییتی طبقات مردمی را بدنبال داشته و مبارزه توده ها هر روز اوج بیشتری گرفته است. البته رژیم حاکم با کمک رویزونیست ها، رفرمیست ها و لیبرالها از طریق سیدیکاهای زرد و رفرمیستی و از شکار جنبش کارگری را به بند کشیده اند لیکن علیرغم این مسئله جنبش خود - بخودی زحمتکشان در سالهای اخیر رشد بیشتری یافته و جنبش دانشجویی نیز نقش فعالی ایفا کرده است. البته در کنار این مبارزات توده ای فعالیت گروههای چپ آنا رشتیسی نیز وجود دارد که بدور از هرگونه پیوند توده ای می باشند. باید گفت که در درگیری

نظراتی علیه رژیم پینوشه، زیر سر نیزه های ارتش مزدور و یورش وحشیانه پلیس مخفی شیلی "دینا" فساد آزادخواهی سردادند. این نظرات همزمان با سخنرانی "ادواردو" رئیس جمهور سابق شیلی انجام گرفت. هم اکنون در شیلی و در جنبش خلق شیلی دومی متضاد تبلیغ می شود. مثنی انقلابی، مثنی ساش و در پیروزی. "ادواردو" مبلغ مثنی دومی است. این بورژوا لیبرال بعد از سالها خراج رشتیستی اکنون بدنبال او گیری جنبش خلق شیلی با زکشته تا با کمک حزب ضد انقلابی و رویزونیست و سرسپرده سکودر شیلی و با کمک محافل امپریالیسم آمریکا، مبارزه انقلابی



اعتصاب ماهیگیران در فرانسه

هفته گذشته ماهیگیران زحمتکش فرانسه جهت اعتراض به گرانی نرخ سوخت، قایقهای ماهیگیری، قیمت نازل ماهی و افزایش بیش از حد ماهی و ایدانی و محدودیت منطقه ماهیگیری ... دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از بندر کوچک "بولگون سورمر" شروع شده و بزودی تمام سواحل غربی فرانسه را دربر گرفت. ماهیگیران مبارز با قایقهایشان مسی راههای آبی بنادر از جمله بندر نجرانی "لوهار" را مسدود کردند. دولت امپریالیستی فرانسه برای مقابله با مبارزه گسترده ماهیگیران نیروی دریایی را بکمک گرفته و وسیله کشتیهای آبپاش راهرویی به بندر لوهار و راهباز کرد. اعتصاب ماهیگیران، بخصوص در فصل توریستی، دولت امپریالیستی را در تنگنا قرار داده و موجب بحران عمیق در این کشور گردیده است. مبارزه ماهیگیران زحمتکش در فرانسه همچنان ادامه دارد.

بولیوی: مبارزه انقلابی ۷۰۰۰

کارگر معادن قلع

در هفته های اخیر بدنبال شورش بختی ازارشش بولیوی، کارگران معادن قلع بولیوی به قیام مسلحانه علیه حکومت وابسته به امپریالیسم دست زدند. آنها قهرمانان راههای معادن را به تصرف خود درآوردند. دولت دیکتاتوری بولیوی برای مقابله با جنبش کارگران، ارتش آمریکا، خود را برای سرکوب معدنیان فرستاد و انجام کارگران انقلابی معادن بولیوی پس از روزها مقاومت انقلابی و شهادت "خوان لچین" (یکی از رهبران کارگران) از معادن بیرون رانده شدند. با این همه مبارزه کارگران قهرمان بولیوی علیه حکومت کودتا همچنان ادامه دارد.

پرو: اعتصاب ۱۶ هزار کارگر معادن

در پیروزی ۱۶ هزار معدنی قلع برای آزادی ۶۰ نفر از همزمان زندانی خود و با خطر افزایش حقوق، دست به اعتصاب ۴۸ ساعته زدند. کارگران معادن پرو هم اکنون با مبارزات گسترده خود رژیم نظامی وابسته به امپریالیسم این کشور را مورد تهدید قرار داده اند.

خلق قهرمان شیلی بپا می خیزد

خلق قهرمان شیلی پس از ۷ سال کودتای فاشیستی پینوشه و علیرغم کشتار و انفرانقلابیون توسط مزدوران امپریالیسم آمریکا همچنان به پیکار خود علیه رژیم فاشیستی و دست نشانده پینوشه ادامه داده و مبارزات خود را بیش از پیش گسترده می سازد. هفته گذشته بیش از ۵۰ هزار نفر از مردم "مانتیاگو" در



بزرگداشت رفیق شهید کاک فواد، میثاق وفاداری به زحمتکشان

۹ شهریورماه دف بودبا سالگردشهادت رفیق فواد ممطفی سلطان، فرزنددلاورخلق کردوا زینیا نگذاران "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" به همین مناسبت مراسم شکوهی درمرازشهدرآدگاهش روستای آلمانیه (دراطراف مریوان) برگزارشد. حضور بیش از ۲۰۰۰ ییشمرکه جنبشی مقامت درآلمانیه شور خا می به مراسم بخشیده بود. ساعت ۵ بعدازظهر مراسم با سرود "کاک فواد" آغازشد. پس ازتخلیل از شخصیت انقلابی رفیق و نقش اودرینیا نگذارای کومله و همچنین درسازماندهی اتحادیه های دهقانی درمریوان و اورامانات بیامی ازطرف ییشمرگان سازمان پیکار درآلمانیه آزادی طبقه کارگرگزارش گردید. دراین پیام ضمن تخلیل ازشهادی خلق کردویوزیرکاک فواد وضعیت کنونی نیروهای سیاسی وجوگی نکوس دو خط سازش ومقامت درجنبش مقامت خلق کرد، مخفرا تشریح شد. سپس کومله ضرباتی را که طی یک هفته از سوم تا نهم شهریوربه دشمن واردآورد و ده یویشمرد در بایان یکی از ییشمرگان چریکی فداشی (اقلیت) طی بیامی علل جدائی خود را ازاپورتونیستها بیان نمود.

شب هنگام، روستای آلمانیه شادخترانیهای

ارتجاع با رگبارهای وحشیانه ژ-۳، کالیبر ۵۰ و ... در مهاباد وحشت آفرید

اخبار مهاباد:

در هفته اول شهریوربا آنکه نوطله های از طرف ارتجاع صورت گرفت (مانند ترور دوش از مسئولین نظامی حزب دمکرات ونیز زخمی شدن ۳ تن از ییشمرکه های آن، حمله پاداران به بیمارستان شهر، "شیرخورشید" و...) ولی در مجموع شهرها با آرام بود. ۱۰ ماسا روز جمعه ۵۹/۶/۷ درحالی که طبق معمول مغازه ها با زیودو رفت وآمد بطور عادی درشهر جریان داشت، ساعت ۱۰/۴۵ دقیقه صبح ناگهان صدای رگبارهای بی دربی ژ-۳، کالیبر ۵۰، ۱۶۵ سکوت شهر را نکست. همزمان با صدای تیراندازی ۲ فروند هلیکوپتر از پادگان شهر برخاست و با ارتفاعی نسبتا پایین بر فراز شهر مشغول دور زدن شد. در این هنگام دوتا تانک ۳۶ ریسوکه از پادگان بیرون آمده بودند از وسط شهر میگذرند.

مردم مهاباد وحشت زده مغازه ها را بسته و هر کس را که به سمتی میدوند، هر کس میکوشد بنوعی خود را از تیربار دور کند، معمولا در جنبش شراپتی مردم در جنبش فرار و کمین میگویند؛ ارتجاع آمده، ارتش آمده... و سائل حمل ونقل در ساندن مردم به مقاصد و پادگانهای اطراف همکاری می نمایند. رادپوها با دزاساعت ۱۱ هر چند گاهی به نقل از فرمانده پادگان اعلام میدارد که برای احتراز از درگیری، مردم از تیراندازی خودداری کنند. زیرا تیپ ۴ پادگان میخواهد با نیروهای مستقر در اطراف تعویض شود. تیراندازی تا ساعت ۱۲ مرتب ادامه می یابد. آنها در این مدت علاوه بر سلاح های مذکور از توپ و خمپاره نیز استفاده میکنند. در طول این مدت با وجودیکه ییشمرکه ها در شهر هستند اما برای اجتناب از درگیری از هرگونه تیراندازی خودداری میورزند. از ساعت ۱۲/۵ تا ۳/۵ تیراندازی بصورت پراکنده ادامه پیدا کرده، اما از ساعت ۴ بعد از ظهر به بعد با رگبارهای زینلندیهای چهارسوی شهر تیراندازی با انواع سلاحهای سبک وسنگین شروع میشود.

شیرخورشید اطلاع میدهد که به خون گروهبان مثبت احتیاج است و مردم شتابان برای کمک میروند. تیراندازی تا ۸/۵ شب ادامه می یابد و تا ساعت ۹ تعداد دگشته زخمی ها به ۱۶ نفر میرسد.

ساعت ۸/۵ فانتموها بر فراز شهر چندین دور زده و تیراندازی بصورت پراکنده تا ۲ بعد از نیمه شب ادامه پیدا میکند. از ساعت ۱/۵ بعد از نیمه شب درحالی که فانتموها با ارتفاع پایین بر فراز شهر دور میزدند تیراندازی به وحشیانه ترین شکلی تا صبح ادامه می یابد. شب مردم مهاباد وحشت زده و بدون استراحت تا صبح بیدار می مانند.

جوانان مبارز ما مشرب را در پس کوچه ها بکسک و همکاری با مردم میگذرانند آن شب در اثر ما بست خمپاره چندین خانه مسکونی در هشتتری - ۳ سیاب

افشاگران دهقانی کومله و پیکار بود. زحمتکشان المانه همرا با ییشمرگان جنبش مقامت عهد بستند که راه کاک فواد را تا رسیدن به خود مختاری در جارجو بایرانی مستقل، آزاد و آبادیاد همچنان ادامه دهند.

معرفی نشریه دانشجویان هوادار در ایتالیا

دانشجویان هوادار سازمان در ایتالیا سرهای منتشر میکنند نام "اول اردیبهشت". در مسقالات اولین شمار آن که در خرداد ۵۹ انتشار یافته، آمده است: "ما دانشجویان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در ایتالیا تصمیم به انتشار ارگانی تحت نام "اول اردیبهشت" گرفته و از این پس سعی خواهیم کرد هر ماه یکبار به انتشار روپخت آن در سطح ایتالیا شامل نویسنده ها، نویسندگان، ترجمه ها، ویرایشات، تبلیغ ونیز مسائل سیاسی حاکم در تشکیلات دانشجویی خود و امرها رزادشولوزیک ونیاسا در خدمت تبلیغ ونیز جنبش انقلابی خلقی ایران برای دانشجویان مبارز در ایتالیا ادامه می دهیم..."

دست این رفقا را گرمی میفرا رسوای آنها در راه انجاء موطاف انقلابی امیدی روزی داریم.



انجاء مبارز بهرزی
نقل از نشریه

دکتر سید حسین...
سید...
سید...

و دیگر محله ها آتشی می بینند و در مواردی به ویرانه تبدیل میگردد. چندین نفر نیز تا صبح زخمی میشوند. روز شنبه ۵۹/۹/۸ - در این روز شهر با حالت تعطیل درآمده و اغلب مغازه ها می بندند. خرید و تهیه رزاق عمومی مشکل است و مف طویل وسائل نقلیه جهت سوخت - گیری دیده میشود. در اولین ساعات روز شهر حالت سکوت بعد از جنگ را پیدا کرده است.

ییشمرکه ها در دروازه شهر مستقر شده و آموش و سازش نقلیه را کنترل میکنند. در این روز چندین جاش و پادار دستگیر میشوند. صدای تیراندازی تا ساعت ۱ شنیده میشود و بعد از ساعت سکوت از ساعت ۲ دوباره بنحوی اوحشانه از هر طرف آتش گشوده میشود. و مردم بیگانه را به گلوله می بندند. با رگبارهای خمپاره و توپ به خانه ها و مغازه ها خسارات جانی ومالی فراوانی به بار می آورد. تا عصر روز شنبه ۴ نفر کشته و ۱۰ نفر زخمی اعلام میگردد.

عصر روز شنبه رادپوها ی حزب دمکرات ضمن این که از ییشمرگان خود احوالی میخواهد که از هرگونه تیراندازی (م) خودداری نمایند به پادگان اخطار می دهد که در صورت ادامه تیراندازی پاسخ متقابل داده میشود. یکشنبه ۵۹/۹/۹ - مغازه ها تقریبا با زاست ولی شهیه روال عادی برگشته و در گوشه و کنار شهر اجتماعاتی به حالت بحث دیده و در ضمن تیراندازی بصورت پراکنده شنیده میشود.

دوشنبه ۵۹/۹/۱۰ - شهر کاملاً آرام و مغازه ها باز است. مردم کارهای عادی خود را دنبال میکنند.

(م) - در تمام طول این مدت تیراندازی بکثرت بوده و هیچکس از مردم و ییشمرکه های سازمانها در داخل شهر تیراندازی نکرده اند.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

چهارمین سال درگذشت رفیق مائو را گرامی بداریم



۱۸ شهریور سال مصادف با چهارمین سال درگذشت رفیق مائو شده و در همین روزها، رهبر کبیر خلق چین بود. انقلاب بزرگ خلق چین به رهبری رفیق مائو، در مسیر پرفراز و نشیب خود تا رسیدن به پیروزی، شامل دستان و دها و نجا رب گرانمایان برای پیروزی انقلاب دمکراتیک توده‌ای در جوامع نیمه فئودال - نیمه مستعمره بود. دستان و دها شایسته در آمار رکبستی - لنینستی رفیق مائو، در همین انقلابات اکثر کشورها بعد از جنگ جهانی دوم و پیوسته در هند و چین گردید.

رفیق مائو در سال ۱۸۹۳ در یکی از دهات چین واقع در استان "هونان" در یک خانواده فقیر به دنیا آمد. از سن جوانی در مزرعه پدرش شروع به کار کرد. بدنبال مبارزه در طی دوران اولیه تحصیلات در سال ۱۹۱۱ به ارتش جمهوریخواهان به رهبری "سون یات-سن" پیوست. پس از چندین سال شرکت در مبارزات دانشجویی در سال ۱۹۱۸ به پکن رفت و در آنجا به دانشگاه این شهر شروع به کار کرد. در همینجا بود که با مارکسیسم آشنا شد. سال ۱۹۱۹ رفیق مائو در راس مبارزات دانشجویی و جنبش توده‌ای و دانشجویی قرار گرفت. در سال ۱۹۲۱ رفیق مائو به همراه کمونیستهای دیگر با سازمان دادن دهه‌ها کمونیستی در شهرهای پکن، شانگهای، نانکنگ، و چند شهر دیگر و متحد نمودن آنها حزب کمونیست چین پیشقراول پرولتاریا و زحمتکشان چین را بوجود آورد. حزب کمونیست از آغاز تشکیل پیوسته در مبارزه ایدئولوژیک قرار داشته و در این مبارزه خط مارکسیستی رفیق مائو با انحرافات چپ و راست درونی در جلال بوده است.

در سال ۱۹۳۵ راهبیمانی تاریخی ارتش سرخ به دعوت و رهبری مائو بطرف شمال آغاز شد. راهبیمانی که رهبر خلق چین در آن گفته است:

"راهبیمانی به سراسر جهان را اعلام کرد ارتش سرخ ارتش قهرمان است. رویدادی که به دو بیست میلیون نفر در این دهستان خیرباد دگر ارتش سرخ بگانه راه آزادی آنها است."

در جنگ مقاومت و فداکاری سالهای ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ حزب کمونیست با ارتش سرخ کارگران و دهقانان و تحت رهبری رفیق مائو علیرغم توطئه‌های چپانکایچک متجاوزین ژاپنی را از چین بیرون راند. در هفتمین کنگره حزب کمونیست در سال ۱۹۴۵ و در آستانه پیروزی خلق چین بر متجاوزین ژاپنی، تمایلات سازشکارانه درون حزبی که با ژاپن چپانکایچک را طرح می‌داشتند در اثر مبارزه گسترده رفیق مائو به انزوا کشیده شدند و در همان سال رفیق مائو برای پیروزی انقلاب خلق چین فرمان داد:

"چپانکایچک را سرنگون کنید، چین را آزاد کنید. انید." رهنمودها و تحلیلهای انقلابی رفیق مائو امکان هرگونه سازش گراییهای انحرافی درون حزب چپانکایچک را از آنها سلب نمود و ارتش سرخ تحت رهبری مائو برای آموزشهای تابناک مارکسیسم - لنینستی طی ۴ سال جنگ توده‌ای توانست رژیم

ملاحظات کوتاه

• چگونه برای مهار کردن انقلاب توطئه شد؟

و بلیا مبولیان سفیر سابق آمریکا در ایران طی مقاله‌ای که اخیراً در مجله "مناظر" خارجی نوشته است، منجمد میگردد:

"در ماه نوامبر ۱۹۷۸ (آبان ۵۷) اوضاع در ایران حاد شد. شورش‌ها و آشوبها و خرابکاریها که تهران آشفته‌هاخته بود منجر به روی کار آمدن دولت نظامی از راهی شد. من به واسطه شکستن بهای فرستادم و گفتم: آخرین فرصت شاه برای تحت کنترل درآوردن اوضاع است و اگر این فرصت هم از دست برود دولت از راهی هم سقوط کند سقوط شاه حتمی است و آمریکا باید بکوشد راههای دیگری برای حفظ و حراست منافع خود جستجو کند. من توضیح دادم که منافع آمریکا و صلح جهان در حفظ تمامیت ارضی و استقلال ایران خلاصه میشود و با توجه به ماهیت انقلاب ایران تنها وسیله‌ای که می‌تواند این امر را تأمین کند یعنی استقلال و تمامیت ارضی ایران را حفظ کند و از بیخ‌افتادن صلح جهان جلوگیری نماید، نیروهای مسلح ایران است. از اینرو توصیه من به دولت آمریکا این بود که با بساز متلاشی شدن ارتش ایران در اثر انقلاب جلوگیری کنیم به عقیده من سبب ارتباط خاص آمریکا با ایران، ما می‌بایستی می‌دیدیم که آیا میتوانیم تریبی بدهیم که نیروهای مسلح ایران دست نخورده بمانند؟ ما معتقد بودیم که نیروهای مسلح ایران با بدفرمانبرداری دولتی با شکدها ریشتهایی گروهای پیرو زده انقلاب و مورد حمایت خمینی برخورداریا شد.

"من بدستی پیش‌بینی میکردم که اولین دولت بعد از انقلاب برپاست مهدی بازرگان که یک سوسیال - دمکرات خیرخواه است تشکیل خواهد شد."

• پیکار: این حرفها مریدان زانست که به تفسیری احتیاج داشته باشد. زانشی که بین بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه‌ستنی از یکطرف و امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر جهت مها رزیدن سرچش انقلابی خلق صورت گرفت و همچنین نقش ارتش با راهبیمانی و دیگر نیروهای کمونیست و انقلابی بحث و افشا شده است. در اینجا به آوردن همین سند اکتفا میکنیم

• حزب توده: کاسه داغترانه

بر سر تشکیل کابینه رجا شای کشمکش‌هایی بسیار بین دوستانه از ارتجاع حاکم یعنی جناح بنی صدر و حزب جمهوری وجود دارد. این دوستانه با یکدیگر دعوا میکنند تا هر یک سهم بیشتری از قدرت سیاسی را به دست آورند. حال رژیونیونیستهای حزب توده و پراپیته در یوزگی خود از شکاف میان بورژوازی نگران و دو جناح فدا خلق را به وحدت با یکدیگر قرار میدهند. در روزی نامه "مردم" (۱۱ شهریور) چنین آمده است: "ما نیز طبقه انقلابی و وجدانی خود میدانیم که در این شرایط حاد و در موضوع بسیار مهم - تکوین دولت جمهوری اسلامی ایران، مدای خود را با مدای همه مجاهدان راه انقلاب و مدافعان

و بسته به امپریالیسم چپانکایچک را سرنگون سازد سرگونی رژیم ارتجاعی حاکم به پیروزی انقلاب دمکراتیک توده‌ای خلق چین به رهبری پرولتاریا انجامید. تحت رهبری حزب کمونیست چین و رفیق مائو طبقه کارگر چین در عرصه ساختمان سوسیالیسم به دست آورد های مهمی تا نل گردید و از جمله این دستان و دها تئوری ادامه مبارزه طبقاتی تحت دیکتاتوری پرولتاریا بود. مبارزات حزب کمونیست چین و بخصوص رفیق مائو علیه رژیونیونیسم خروشی و سوسیال امپریالیسم شوروی دستان و دها گرانمایان برای جنبش کمونیستی بین المللی بوجود آورد.

امروز رفیق مائو در گذشته است اما مانده گفته‌ها اند که علیرغم اینکه یک رهبر مارکسیست لنینست بود و دستان و دها بسیاری برای خلق چین و جنبش بین المللی کارگری بوجود آورد، در عین حال دچار یک سری انحرافات راستروا به نیز گردید.

روژیونیونیستهای خا ش پس از مرگ مائو به قدرت رسیده و بر حزب و دولت چین حاکم گردیدند. آنان امروز می‌کوشند با تمام قوا در راه حیا سرمایه داری حرکت کنند و تمام دستان و دها را انقلاب چین، حزب کمونیست چین و رفیق مائو را نابود سازند. راه دوروز چین راه سوسیالیسم بود و راه امروز چین راه سرمایه داری است.

بقیه از صفحه ۲۴ حمله

می کنند. هفته گذشته ما هدم نمونه‌ای از این حملات ددمنشانه در تهران بودیم:

روز چهارشنبه ۵۹/۶/۱۶ مطابق معمول مردم در چهار راه کارگر - کشاورز (امیرآباد - بلوار) مشغول بحث و افشای سیاستهای فدردمی رژیم بودند حدود ساعت ۷ بعد از ظهر با سادار مسلح به کلت و یوزی و ژ - ۳ از داخل یک ماشین جیب آهوبه تجمع مردم تیراندازی کردند تا بخیا خود آنها را متفرق گردانند. در نتیجه تیراندازی، یکی از افراد حاضر در محل از ناحیه پهلو مورد اصابت گلوله‌های ساداران فساد انقلاب قرار گرفت و شدت زخمی شد. مجروح بلافاصله به بیمارستان انتقال داده شد. هواداران نیروهای انقلابی پیراهن خون آلوده و در همان محل در معرض دید و قضاوت عموم بنمایش گذاشتند. این وحشیگری ساداران مورد تنفر عمیق مردمی که از محل می‌گذشتند واقع شده بود. علیرغم تیراندازی های مکرر ساداران نیروهای انقلابی و مردم آگاه پراکنده نشده و ناسی از شب گذشته، حول جنایت مذکور بحث میکردند.

رفیق هوشی مین همیشه زنده است!

ده سال از درگذشت رفیق هوشی مین، رهبر و بنیانگذار حزب کمونیست، بهرور هیرا انقلاب خلق ویتنام گذشت. تاریخ انقلاب ویتنام با نام "عمو هو" عجیب شده است. شخصیت برجسته و انقلابی "عمو هو" را نه در توصیفاتی که از او و منشور دیکته در طول ده سال مبارزه انقلابی خلق ویتنام بر علیه امپریالیسمهای ژاپنی، فرانسوی و آمریکا، با بدست آوردن طی سالها مبارزه انقلابی خلق ویتنام با رهبری و هدایت کم نظیر خود توانست حاکم ملحق به خلق ویتنام در سال ۱۹۴۵ را با تسبیح تمام زحمتکشان ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست و علیه امپریالیسم ژاپنی به پیروزی و استقلال برساند. عمو هوشی از آنها مبارزه انقلابی در داخل و خارج ویتنام بر اساس رهنمودهای تائیانگ مارکسیسم - لنینیسم و پس از متحد نمودن همه زمان کمونیستی تشکیل حزب کمونیست ویتنام را اعلام کرد. در سال ۱۹۴۶ حزب کمونیست تحت رهبری هوشی مین زحمتکشان ویتنام را برای جنگ و پیروزی بر امپریالیسم فرانسه بسیج کرد.

زحمتکشان ویتنام در اثر رهنمودهای انقلابی و شور آفرینی عمو هوشی توانستند در عرض حدود شش سال مبارزه امپریالیسمهای سوار و کرگرفتاری را از کشور خود بیرون برانند. بدینسان با وجود امپریالیسم آمریکا در جنوب عمو هوشی در انت و هوشی آری انقلابی خود بسیج عمومی بر علیه امپریالیسم آمریکا را اعلام نمود. با تشکیل "جبهه آزادیبخش ملی ویتنام" در جنوب و پیوند مبارزاتی آن با شمال تحت رهبری حزب کمونیست و در صدر آن هوشی مین انقلاب ملحق به نود و یک نفر علیه امپریالیسم آمریکا آغاز شد. قیامی که - نقطه اوج مبارزات قهرمانانه خلق ویتنام به نفع ویتنام بود - در سال ۱۹۷۵ بوز امپریالیسم آمریکا را به خاک مالید.

بقیه از صفحه ۲

۴- که "جرا در این ۱۸ ماه سکوت کرده بودی؟" جواب داد "حزبیت جمهوری اسلامی در خطر بود!"

۵- چرا دادگاه از همان اول سعی داشت با توسل به برخی ابهامات در برپا کردن و نه سند های گویا فاجعه را "تصادف"، "تحراف تکلیفی زاده و کار با واک قلمداد کند؟ در این میان چرا وقتی که برای افرادی چون پسر دانی فرج که گفته میشود با یکی است بر مبنای تا شید لر قیام پیش می آید برای شهادت یا تحقیق به دادگاه حاضر نمیشود؟

۶- چرا دادگاه تلاش کرد تا روابط تکلیفی زاده با افرادی چون لر قیام، ابوالیور، محمود عا مری (بخصوص لر قیام) عادی جلوه داده و بر همین پایه تمامی روابط مشخص آنها پنهان نگاه داشته شود؟

۷- چرا دادگاه در حالیکه برخی شهود که هیچ حرف مستندی برای گفتن نداشتند وقت زیاد میداد، ولی به تبهودی که مطالب روشن کننده ای داشتند وقت داده نمیشد و سعی در خاموش و محدود کردن آنان در بیان مطالب مینمود، چرا دادگاه عمدتاً جلوی طرح حقایق گرفته میشد؟

۸- چرا در حالیکه تا زمان طرح بسیاری شواهد مهم و اساسی که میتواند به روشن شدن حقیقت کمک



و با اتحاد دو ویتنام شمالی و جنوبی شالوده ایجاد نظامی بخش سوسیالیسم در ویتنام را تحت رهنمود رفیق هوشی مین پایه ریزی کرد. آری وجود عمو هوشی در گهستانها و دشتها و رودهای ویتنام، در قلب زحمتکشان ویتنام در میان رزات قهرمانانه و شگفت آفرین خلق ویتنام بر علیه امپریالیسمهای ژاپنی، فرانسوی و آمریکا یک مبین پرست انترناسیونالیست بود، و مظهر سادگی و بی پیرایگی، صداقت، شجاعت، و مبارزه و تجلی آرمانهای خلق قهرمان ویتنام بود. علیرغم نقیضات برجسته و فوق العاده موثر هوشی مین در پیروزی انقلاب خلق ویتنام به علت داشتن گرایشات سائنتیستی و عدم مرز بندی قاطعانه و با رویزیونیسم غرضی، حزب زحمتکشان ویتنام، بعد از مرگ او و سر قهرمانی خود را با تمام ایالات رویزیونیستی آغاز کرد. این گرایش قهرمانی که در نتیجه تمکین در مقابل رویزیونیسم غرضی بوجود آمده است اکنون به تمکین در مقابل سوسیالیسم امپریالیسم و وابسته شدن به آن کشیده شده است. اما با وجود این شخصیت برجسته و انقلابی عمو هوشی در انقلابات دموکراتیک و سوسیالیستی خلق ویتنام از اهمیت شایانی برخوردار است چرا که عمو هوشی در قلب زحمتکشان ویتنام و در قلب تمام خلقهای جهان زنده است.

کند، پیش آمده بود و در زمانیکه تا زمان تحقیق از افرادی دیگر فراموش شده بود، که روشن شدن آنها نیاز به وجود فردی چون تکلیفی زاده و اطلاعات او داشت تا گمان با اعدا و (طبق اعلام خود رژیم) امکان روشن شدن و پاک سازی به بسیاری از حقایق از میان برداشته شد؟

بازماندگان فاجعه سینما رکس، هموطنان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی کوشید با تشکیل دادگاه "ویژه" و اعدا و مؤذنهائی کردن عده ای که بهرور هوشی را جبهه در دنیا که سینما رکس آبادان را هر چه کورتر کردند (اگر چه با همین اقدامات هر روز بیشتر مشت خود را با زمینش) از این جهت خون شهیدان را بیش از پیش با خیال کرده است.

اما اکنون نه تنها عاملین اصلی فاجعه سینما رکس با دان با پادشا، محاکمه و مجازات نشوند بلکه راه - نشان اصلی و فرعی تشکیل دادگاه "ویژه" که با اقدامات خود کوشیده اند تا عاملین اصلی فاجعه پنهان نگارده شده شوند و اما اگر به کشف شده حقیقت را کورتر کرده اند نیز باید عنوان شرکت غیر مستقیم جرم محاکمه گردند، به نقل از اعلامیه ۵۹/۶/۱۴ حوزه آبادان سازمان پیکار و راه آزادی طبقه کارگر

ملاحظات کوتاه

جمهوری اسلامی همراه با رژیم واریست جمهوری و مجلس و نخست وزیر بخوابیم که با هم تنها هم کنند و با هم توافق کنند!

نیازی به توضیح بیشتر نیست، در جاتی که نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها با هیت ارتجاعی دعواهای بین جناحهای هیتا که همرا برای خودها افشا میکنند در جاتی که هر دو جناح هیتا که همرا سترکوب و کشتار کارگران، وزحمتکشان و خلقهای تحت ستم میهن ما و پاسداری از نظام اجتماعی گندیده ها که نه تنها اختلافی ندارند بلکه دارای وحدت نظر و عمل کامل با هم دیگری با شند. و در جاتی که توده های زحمتکشان ما بیش از پیش آگاه شده و میداند که هیچیک از دو جناح هیتا که همرا هستند نمی خواهند به خواستهای برحق آنها پاسخ دهند و نه تنها پاسخ نمیدهند بلکه زحمتکشان را به گلوله می بندند، حزب خائنه توده هر دو جناح را به وحدت و تفاهت هم توافق برای مقابله با جنبش حق طلبانه توده ها و انقلاب دعوت می کند حزب توده مثل همیشه بر ضد توده ها و انقلاب عمل میکند. این حزب و شرکت به نفع منافع خود را به سباب سوسیالیسمیالیست، چشمه درگاه بهرور هوشی حاکم دودخته و زینا حقایق را به یاد آن اسلامی میخواند که برای سرکوب توده های زحمتکشان، با هم تنها هم توافق داشته باشند. حزب توده از این عدم تفاهت هم توافق بین جناحهای هیتا که همرا هستند و از این عدم تفاهت هم تفاهت می کنند چون میدانند در صورت وجود چنین تفاهتی احتمالاً لقمه ای هم از خون شمع رژیم جمهوری اسلامی نصیب او خواهد شد. این شیوه تمام رویزیونیستها و خائنین به خلق و طبقه کارگر است که از شکارهای درون ارتجاع نگاران شده و با وحشت از جنبش توده ها ارتجاع کارگران را به یگانگی و وحدت دعوت کنند.

★ ★ ★

آمریکا به چین: آفرین! باز هم بیشتر!

نیویورک تا میز می نویسد: آنچه در چین میگذرد دگرگونی افسون کننده ای در سرزمینی است که بیگ میلیاردا نسان در آن زندگی میکنند و بخود خود چین را اجتماعی قابل ستایش ترویبا دوستی استوار تر میسازد. علاقه به تولید و خلاقیت، علاقه به ثبات و نظم و قانون را در تجارت و در فعالیتهای سیاسی در پی دارد. پدیده ای که میتواند به شگفتی شدن آزادی نیز بهیچان مد، از اینرو به یاد دگرگونیهایی چین! استقبال کرد و خواستار ادامه آنها شد (صدای آمریکا ۱۸ شهریور)

بقیه از صفحه ۴

نمایندگان...

- گرفتن پاسخ بهرور بر سر جمع خواهد کرد.
- ۱- لغو موبه جدید شورای انقلاب در مورد لغو سود ویژه.
 - ۲- برسمیت شناختن ۲۰ نفر نماینده که اکنون شوراهای پلی: تکنیک که میخواهند از طرف تمام کارگران ایران در تدوین قانون کار و تنظیم گیری در مورد سود ویژه شرکت کنند و محکوم کردن آن.
 - ۳- تشکیل مجمعی از نمایندگان واقعی کارگران سرسرا بران جهت تدوین قانون کار.

نقشه از صفحه ۳

کارخانه میشود. با زخیرهایک از این سه نفر پیش از مدتها رتومان میشود و مدیرعامل دولت جمهوری اسلامی روز بروز به شورا فشار می آورد که حتماً این بول به آنها پرداخت شود. اما کارگران مبارز بهر شوری خود متحد و یکپارچه در برابر فشار مدیرعامل جدید دولت جمهوری اسلامی مقاومت کرده و میگویند: آنها نه تنها هیچ حتی از جانی که ما را ندارند، بلکه بلحاظ آنکه جاسوس بوده اند با بد معا کمه و زندانی شوند. کارگران در تجربه روزمره خود یکمک عناصر آگاه و کمونیست کارخانه به تدریج دربار آنها اندک دولت جمهوری اسلامی از لحاظ سرکوب کارگران و توطئه علیه آنها تفاق و بی با رویه مزدورانه اند و هر جا که توانسته علیه آنها توطئه نموده و خواهشهای سرخشان را سرکوب کرده است. آنان دربار آنها اندک دعای رژیم جمهوری اسلامی مبتنی بر اینکه حالا دیگر کارخانه دولتی شده و سرمایه داران به استیضای کارگران نمی-پردازند، چقدر بیج و فربسکارانه است. کارگران می-بینند که برای تا مین حداقل لوازم زندگی و برای آنکه خود و زن و بچه شان از بی غذایی و بی دواشویی نمانند همچنان ناچارند زیر فشار طاقت فرمای کارگران جان دهند و در شرایطی که کمترین وسایل ایمنی و بهداشتی وجود ندارد روزی ۱۲ ساعت به سبزه کار مشغول شوند. آنها دربار آنها اندک برای مقابله با سرما به داران جز آنکه متحدان شد و یکره شوری مبارزی که خود را انتخاب نموده اند متشکل شوند، چاره ای دیگر ندارند. آنها می بینند که اگر متشکل نشا شد و برای خواستهایشان به مبارزه برخیزند، شورا هیچ قدرتی ندارد و مدیرعامل میتواند اعتراضات مسفرد آنها را بکی بکی خفه کند.

مطلب زیرگذاشته آنکه گوشه ای از توطئه های مدیرعامل جدید دولت حامی آنرا علیه کارگران نشان میدهد. نمونه ای از مبارزات قهرمانانه و یکپارچه کارگران مبارزان کارخانه شیرینماش میگذارد.

روز یکشنبه ۵۹/۶/۲ مهدی وفا مهر مدیرعامل جدید به پشتیبانی وزارت کار و رژیم جمهوری اسلامی تلاش در بار خود برای بازگرداندن بدن من از غوا مل قلی زاده که اخراج شده بودند، آغاز می نماید. اما شوری کارخانه که مورد اعتماد و پشتیبانی کارگران است با این امر ندیده مخالفت کرده و برای مقابله با توطئه جدید مدیرعامل، کارگرانی که مخالف با ز-گشت عوام مل قلی زاده هستند میخواستند که ورقه ای را امضا کنند، اکثریت قریب به اتفاق کارگران از شورا حمایت کرده و ورقه را امضا میکنند. مدیرعامل دولتی که همبستگی کارگران را می بیند، به بهانه اینکه اعضا شورا در طی زمان کار کارگران امضا جمع کرده اند، کارت یکی از نمایندگان شورا را بنام سید محمد عبدالباقی زاده برداشته و می گوید: «فعللاً اخراج هستی تا درباره رهنه تحقیق کنیم». عصرها نروزی کارگران شیفت بعد از ظهر از این مسئله باخبر شده و هنگام مصرف شام تصمیم میگیرند دست به اعتراض بزنند. روز سه شنبه ۵۹/۶/۴ کارگران شیفت شب و صبح و اکثریت بعد از ظهر در دفتر کارخانه اجتماع کرده و از مدیرعامل میخواهند که در جمع آنها حاضر شده و به شوا لاتشان درباره ۳ تن جاسوس اخراجی و نیز علست

اخراج سید محمدنما بنده شورا پاسخ گوید.

با تلفن مدیرعامل به زنادارمیری مبتنی بر اینکه «سید محمد یکی از نمایندگان شورا به همراه کارگران مبارز به گروگان گرفته اند، چند زنادارمیری برای دستگیری «سید محمد» به کارخانه می آید. کارگران با دیدن زنادارمها به همدگر میگویند: «گویا ما از زنادارم میترسیم، ما با بدحمان را بگیریم، سه ما به پیش چندین روز کارخانه در محاصره با سداران مسلح قرار داشت و ما همگی متشکل در مقابل آنها سینه ها ما را سپر کردیم... آنها در این هنگام بنما بنده خود را در میان گرفته و یکمک دربار میزنند: «اگر میخواهید اورا بفرستید ما همگی به پا سکا می آئیم».

پس از مدتی مدیرعامل و چند تن از همبستگی کارگران در جمع آنها حاضر شده و میگویند: «هرکس با من کاری دارد اینجا به ما بدو هرکس کاری ندارد و متوجه در یک توطئه سراسری که همزمان در دو کارخانه دیگری توفیق به سبزه شریک کند، برو».

در این هنگام یکی از کارگران میگوید: «مگر ما خودمان را مسخره کرده ایم، حتماً با تو کار داشته ایم که اینجا جمع شده ایم جواب سؤالاتها بمان رانده از این حرفها هربا دشیده ایم».

مدیرعامل به اتفاق میرو و کارگران با همدگر مشغول صحبت میشوند. آنها با حالت تمسخر آمیزی میگویند: «توطئه سراسری!!» «چه حیل مسخره ای!!» «ما برای حمان میا روزه میگیریم، مدیرعامل آنرا توطئه میخواهد!!» «مگر به سرما به دار».

پس از مدتی مدیرعامل دوباره جمع کارگران را سر میگرداند و وحشت زده می بیند که آنها از تعداد کارگران کم شده، بلکه کارگران شیفت بعد از ظهر نیز تما به آنها پیوسته اند. وی درحالیکه از شکل و یکپارچگی کارگران سوخت افتاده و دوبار جملاتی دست و پا شکسته شروع به صحبت میکند: «... وزارت کار رسماً اعلام کرده این به سراسر کارخانه به زنادارمها به سبزه کاری که اینجا کرده اند، به آنها پرداخت شود». سپس اضافه میکند: «من میدانم شما را تحریک کرده اند و



بزروارشما امضا گرفته اند.

در اجتماع یکی از نمایندگان شورا میگوید: «کارگران! هرکس با زنگنه این بدن من امضا همبنا بگوید». «و کارگران یکپارچه دربار میزنند: «ما همه مخالفیم!» بنما بنده شورا دوباره میسرند. هرکس بزرور ورقه را امضا کرده بگوید: «و کارگران در جواب میگویند: «ما همگی تمیل خودمان امضا کردیم».

مدیرعامل که دربار سبزه شریک کارگران برانوردن امضا به همراه نمایندگان شورا به انای خود میروند، پس از مدت کوتاهی یکی از نمایندگان برمی-گردد و میگوید: «ما با مدیرعامل متوافق رسیدیم، هیچک از این سه نفر (عوامل کارخانه که سبزه شورا اخراج شده اند) به کارخانه بر نمی گردند و هیچ حتی همه آنها تعلق نمیگیرند، تنها یکی از آنها حق اصال کارش را به قسط ۸ ماهه میگیرد».

کارگران که از این پیروزی خوشحال شده بودند، قریباً میزنند: «تکلیف سید محمد چه میشود؟» مدیرعامل دولتی برای چندمین بار راگزیر میشود و دربار کارگران متعجب نشینی کند، از پیرو میگوید: «من شکایت خود را پس میگیرم» و «سید محمد» به کار در کارخانه داده می شود و حقوق این دوروز نیز به او پرداخت خواهد شد.

کارگران پس از این پیروزی میگویند: «هرچه کار میگویند، ما بهمان شود». بدین ترتیب کارگران مبارزان بر فراز دیگیشان دادند که تنها نیروی متشکل و استقامت و بیاداری در مبارزه است که آنها را در تحقق خواستهایشان موفق میسازد.

پیروزی مبارزان را حق طلبان کارگران

کارگران مبارزان بنییل قاطعانه خواست ۴۰ ساعت کار در هفته را با جرات آوردند

کارخانه هانسیل یک کارخانه ریختهگری است که ایالات لوله کشی آب و گاز و... را تولید میکند. این کارخانه حدود ۳۰۰ کارگر دارد. کارفرمای کارخانه تا پیش از تمام مهندس و بشیروانی بوده و پس از املاها مکیدن خون کارگران در جریان قیام از ترس خشم خروشان بوده و به خارج فرار میکنند و بانک سراسر درش به وکالت از طرف او به استیضای کارگران مشغول است. کارگران این کارخانه که اغلب در شیفت صبح کار میکنند و کار آنها مانند هر کارخانه ای ریختهگری در ایران به غایت سخت و طاقت فرما است، از مدت ها قبل خواست ۴۰ ساعت کار را مطرح میکردند. پس از بازگشت از مرخصی اخیراً اعلام ۴۴ ساعت کار در هفته از طرف وزارت کار، کارگران با رد درخواست تعطیل پنجشنبه ها را به میان میکنند.

آنها روز دوشنبه ۵۹/۶/۳ متحد و یکپارچه در کارخانه اجتماع کرده و نمایندگان شورا خود که اغلب آنرا عناصر ارتش تشکیل میدهند میخواستند که خواست آنها را (۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه ها) به اطلاع وزارت کار و کارفرما برسانند. کارفرما وزارت کار را با اطلاع از خواست کارگران طبق معمول مخالفت کرده و وزارت کار میگوید: طبق قانون جدید کارگران با بیستی هفته ای ۴۴ ساعت کار کنند.

بقیه در صفحه ۴

باتمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!

۲۵۰۰۰	ک	۱۱۲۳۰	ز	۲۸۰۰	ت
۲۲۵۰۰		۲۵۰۰	پ	۳۰۰۰	الف
۲۲۵۰۰		۳۵۰۰		۹۵۰۰	
۱۲۰۰۰		۶۸۵۰		۹۵۰۰	
۴۰۰۰		۱۸۵		۲۹۹۰	
۵۱۰۰۰	ک	۱۰۰۰۰		۶۲۰۰	
۱۷۷۰۰	ل	۶۱۲۰		۵۵۵۰	
۱۲۰۰۰		۵۱۰۰		الف	الف
۸۰۰۰	م	۲۸۰۰	س.م	۸۰۰۰	ب
۱۰۰۸۰		۲۸۰۰	پ.م	۱۵۰۰	
۱۰۵۰۰		۶۴۰۰	پ	۷۲۲۰	
۱۰۰۰۰		۶۱۰۰		۹۲۱۰	
۲۹۰۰		۱۹۱۷۰		۹۲۰۰	
۴۰۰۰		۷۲۲۰	پ	۲۸۰۰	ب.ز
۵۲۹۰		۱۲۰۰		۱۰۹۰۰	ب.ب
۵۷۲۰		۱۱۵۰۰	ط	۲۸۵۰۰	ص
۵۲۹۰		۳۵۰۰۰		(معلم)	
۳۸۰۰۰		۱۲۲۰۰		۱۷۲۱۰	پ
۴۲۰۰		ع (مادر) ۲۲۰۰		۲۲۷۰	
۲۳۵۰۰		۹۲۵۰		۱۲۲۶۰	
۹۰۰۰		۱۰۰۰۰		۱۸۰۰	ت
۱۳۰۰۰		۸۰۰۰		۶۴۰۰	
۵۰۰۰	ج.م	۳۶۰۰		۲۱۰۰	ج
۵۳۲۰	م.ب	۶۴۲۰		۷۱۰۰	
۶۹۹۰	ج.م	۶۴۰۰		۹۸۰۰	ع
مات		۱۰۰۰۰		۱۹۲۰۰	
م (پیشتره برای		۲۷۰۰		۲۵۰۰	ح
کودستان)		۲۵۰۰۰	ع.ن	۱۳۴۰۰	
۱۶۲۰۰		۸۴۰۰	ع.س	۴۸۰۰	
۱۱۱۰۰	م.م	۸۰۰۰	ع.ع	۱۱۵۰۰	
۱۲۴۰۰	م.ب	ع (برای کودکان)		۶۰۰۰	
۱۱۱۰۰	م.د	۴۱۰۰۰	(معلم)	۸۰۰۰	
۱۰۸۰۰	پ	۲۱۵۰۰		۱۶۰۰۰	
۶۴۰۰		۵۳۰۰	ف	۱۹۰۰۰	
۱۰۱۴۰		۷۲۸۰		۱۰۰۰۰	ع.ح
۲۲۰۰		۵۰۰۰		۲۴۰۰	
۱۰۰۰۰		۸۵۰۰		۲۲۲۰۰	
۱۲۸۰۰		۱۰۰۰۰		۲۱۸۰۰	د.د
۱۰۰۰۰		۶۶۰۰		۶۲۰۰	د
۶۰۰۰		۱۵۰۰۰	ف.س	۲۰۰۰	(کرج)
۴۰۰۰		م (انجمن دانش		۵۵۰۰	
۵۵۱۰		آموزی) ۱۰۰۰۰		۲۲۰۰	
۹۲۴۰	و	۴۴۰۰		۱۰۲۱۰	
۵۰۰۰	ه	۱۲۷۱۰	ف	۶۶۰۰	
۸۰۰۰		۱۸۰۰۰	س	۶۰۰۰	ع.ع
۷۰۰۰		۱۱۵۹۰		۲۶۰۰	ز
۱۱۱۰	ی	۲۹۹۰۰		۵۲۰۰	
۱۱۱۱۰		۸۶۰۰۰	ق.س	۱۴۵۰۰	

- ۱- رفیق کاگز (پٹر) مبلغ ۱۰۰۰ روپال کک مالی ات رسید.
- ۲- رفقای شتره پیر حجتکشان بازی آباد هوادر ۲۰۰۰ روپال کک مالی شادیات شد.
- ۳- رفقای هوادر سا زمان درسمان مبلغ ۵۵۰۰ روپال کک مالی شادیات شد.
- ۴- رفقای زندانی سیاسی هوادر سا زمان مبلغ ۱۰۰۰۰ روپال کک مالی شادیات شد.
- ۵- رفیق مادر "الف" مبلغ ۱۰۰۰۰ روپال کک مالی شما رسید.
- ۶- رفیق مادر دھیات هرا ۲۰۰۰ روپال رسید.
- ۷- رفقای پستار هوادر سا زمان مبلغ ۳۰۰۰ روپال کک مالی شادیات شد.
- ۸- رفیق آرام مبلغ ۵۰۰ روپال کک مالی ات رسید.
- ۹- بدروما درمبار زمصور مبلغ ۱۰۰۰ روپال کک مالی شادیات شد.

نا همه‌ا رسیده‌رورد! ولین سئوالان با یسد
بکوشم این مرفا نا شی ازیک بی توجهی درا مرفنارت
برکا وشریه بوده است ونه چیزدیگرکه با طبع قابل
انتقاد است. در مورد سایر پرسیشها دات و انتقادات شما
نیز کوش خوا هم کرد آنها را عملی سازیم و اگر توجیه
کرده‌ا شید برخی از آنها نیز عملی گشته‌ا ست.

تکرات می‌کنیم که در راهای زمینشان و طبقه‌ها اگر
بوم‌ها "میر" ها که چشمان پر فروغ خود را بسوی آینده -
ای روشن و فارغ از هرگونه ستم بقای ملی دوخته -
اند، هرگز از پای نشینیم و در عمل نشان دهیم که یک
کمونیست برای آزادی تمام انسانها می‌جنگد و خون
خوبش را نثار می‌کند. ما به این هموطن مبارز (و مبارز
ان دیگری ما ننذا و) پیشنهاد می‌کنیم که تمایس خود
را از هر طریق که می‌داند با حفظ کثند و بدین وسیله
و نیز از طریق انتشارات سازمان با نظرات، همشود که
وینا زهای سازمان هر چه بیشتر آشنا شوند و نظرات
سازمان را که در "پیکار" منتشر می‌گردد بین توده‌ها
تبلیغ نمایند و بدین طریق سهم خود را در مبارزه علیه
امپریالیسم و عاقلش و در راه آزادی زمینشان ایفا
کنند. ما از این هموطن مبارز می‌خواهیم تا جهت کمک
به سازمان برای جلب حمایت هر چه بیشتر توده‌های
آگاه بسوی سازمان و بخش "پیکار" و سایر نشریات
ما، با آزادی مردم در حد توان خود بکوشد. ما برای
"میر" خانواده‌اش بسوی آزادی خود می‌کوشد.

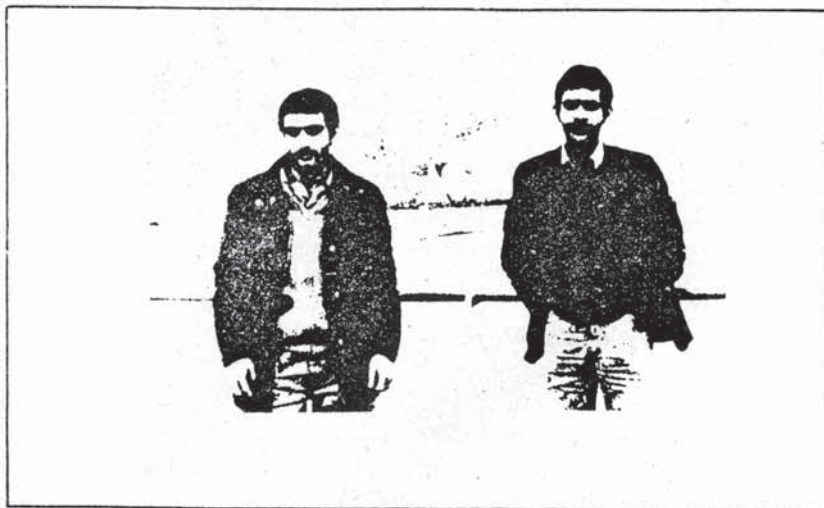


شما لزوم انتشار یک "ارگان دموکراتیک" برای
رسمتکشان را مطرح کرده‌اید؟ گرمظورتان یک نشریه
گمونیستی تبلیغی - سیاسی به زبان ساده و برای
زمینکشان است، یا به شما درست است و با توجه به
ضرورت و امکانات و اصلی و فرعی کردن وظایف در
وقت خود باید ترا انتشار داد، یا گرمظورتان از
نشریه دیگری صرفاً پرداختن به مسائل دمکراتیک

قازمانیکه ۳۵٪ بردس — تمزدها افزوده نشده
— "سود ویژه" گذشته پرداخت باید گردد! —

کرامی باد یاد شهدای
بخون خفته خلق فلسطین
در «سیتامبر سیاه»!

دروید سرپدای خلق فلسطین که در راه آزادی
مبین افعالی خود در مبارزه علیه صهیونیسم
و اسرائیل و ارجاع حان با خداست!



چهل‌مین روز شهادت رفقا مسعود الماحی و راد و طبیب نجم الدینی را که در تبریز به "جرم" آگاهی دادن به توده ها، در حین پخش اعلامیه های سازمان پیکار و تروشدند، در روز جمعه ۲۸ شهریور ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح دویست زهراگرامی بدادیم.

تفتیش عقاید در استخدام معلم: نشانه وحشت از آگاهی توده‌ها

بقية در صفحه ۱۷

وزارت آموزش و پرورش به سرمداری رجا شی،
بدنبال تصمیم و اخراج معلمین و دانش آموزان
انقلابی، محدود کردن فعالیت های اجتماعی در
مدرستانها و ممنوع کردن فعالیت سیاسی در مدارس
... اکنون قدم های "تابانی" در کاربرد شیوه های
ارتجاعی و عقب مانده قرون وسطایی در تعلیم و
تربیت اسلامی! کودکان دانش آموزان برمی دارد،
این بار برای ریزش و زانو بردن بطور علنی و با وقاحت دست
به شیوه یوسید، تفتیش عقاید را استخدام معلمین زده
است. فارغ التحصیلانی که قبلا در آموزش و پرورش
تعهد خدمت سپرده اند، برای انجام امور استخدامی به
آموزش و پرورش مراجعه می کنند اما دست اندرکاران
این وزارتخانه به علم کردن چماق "مکتب درجست" و
متنهای که شباهت زیادی به بازجویی های سا و اکا دارد
به جستجوی خط فکری آنها می پردازند. آنها طی ایمن
جلسات با سواالت متعدد در مورد اذ و طلب استخدام،
خانواده و طرز تفکر تک همگلساییشان و گرایشات
آنها، با تفتیش نظرد و طلبین در مورد خلق کرد، نیرو
های انقلابی، دموکرات و کمونیست در مورد ولایت -
فقیه، حزب جمهوری اسلامی و ... موریت ساوک گونه
خود را انجام می دهند اما کار تفتیش عقاید به اینجا
خاتمه نمی یابد پس از بازجویی اذ و طلب، مامورین
آموزش و پرورش به خانه و رفته و باز دید و پرس و جوی
محلی بعمل می آورند تا پرونده شخصی را و طلب استخدام
در نظر کار مل باشد!

حمله مسلحانه به دکه های هواداران نیروهای کمونیست

[illegible]

هر روز دنیا را از افلاک کمر بست و مکرر
در تهران دستگیر و به کمیته‌های صداغلاب و زنداها
را با مهری مغفل می‌بود، ارجاع با اس حبلا
بود، می‌خواستند آکا می‌شود، راهی افلاک
ساز و دگرگانی‌ها داران سیر و راهی افلاک
افلاک و آکا می‌شود، ها تبدیل شده اند و اس
هیچون خاری در سرمه محسن نری آسان قابل حمل
نست و همین خاطر به احسان مردم طالب آکا می‌شود
سند و معده

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست